MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN
Sürûri, Muslihuddin Mustafa
181500
01 Temmuz 2019

نشده‌است (< دایرةالمعارف ادیبان دنیای ترک >[1]، ذیل «سروری»؛ د. ا. د. ترک، ذیل مادّه).

شهرت سروری در تاریخ ادبیات عثمانی به‌سبب چیره‌دستی‌اش در سرودن مادّه‌تاریخ و به‌نظم‌درآوردن رخدادهای تاریخی بود و ازهمین‌رو به سروریِ مورخ شهرت پیدا کرد (گیب[2]، ج ۴، ص ۲۶۵ـ۲۶۶؛ بروسه‌لی، ج ۲، ص ۲۳۸؛ نیز ← جانیم[3]، ۲۰۰۹). توانایی سروری در به‌نظم‌درآوردن تاریخِ رخدادهایی همچون وقایع مهم سیاسی و نظامی و عزل و نصب و وفات بزرگان چنان بود که به نوشتهٔ گیب (همانجا) و جودت‌پاشا (ص ۱۷۲) و ابوالضیاء توفیق (ص ۱۹ـ۲۲) در سرودن مادّه‌تاریخ صاحب جایگاهی بی‌مانند در میان شاعران عثمانی شد. ازجمله رویدادهای سیاسی که سروری آنها را به نظم درآورد، کشمکش میان حکومت مرکزی و اعیان ایالات، مناسبات عثمانی و روسیه و حملهٔ ناپلئون به مصر بود (اعیان‌نظام[4]، ص ۷۱ـ۷۵). او تلخ‌ترین رویدادها را نیز با ظرافتهای زبانی خود به ثبت رسانده‌است (< دایرةالمعارف ادیبان دنیای ترک >، همانجا).

افزون‌براین، او در سرودن هزل و هجو مهارت داشت و در این‌گونه اشعار، هوائی تخلص می‌کرد. جنبهٔ مطایبه‌آمیز شعر سروری در مادّه‌تاریخها و حتی مرثیه‌هایش نیز بازتاب یافته‌اند. سروری در هزلیات از سخنان بی‌پروا و کلمات مستهجن هم استفاده می‌کرد. او بارها دوست نزدیکش، سنبل‌زاده وهبی، را هجو کرده‌است. این دو گاه مناسبات بسیار صمیمانه‌ای داشته‌اند و گاه این صمیمیت به تیرگی می‌گرایید (گیب، ج ۴، ص ۲۷۰؛ ابوالضیاء توفیق، ص ۳۱؛ < دایرةالمعارف ادیبان دنیای ترک >، همانجا). آثار سروری عبارت‌اند از: ۱) *دیوان* که مشتمل بر مادّه‌تاریخها، منظومه‌های تاریخی، مخمسها، غزلیات و قصاید، ازجمله در مدح سلیم سوم (حک: ۱۲۰۳ـ۱۲۲۲)، است. سروری در ۱۲۱۷ اشعارش را گردآوری کرد و دیوانش را *نشاط‌انگیز* نامید، اما سه سال بعد، آن را بازنگری کرد و ضمن حذف برخی اشعار، شعرهای تازه‌ای به آن افزود. دیوان سروری در ۱۲۵۵ در بولاق مصر به‌چاپ رسید؛ ۲) *هزلیات*، شامل غزلیات، منظومه‌های تاریخی، قطعات و تک‌بیتهای سروری با تخلص هوائی است. این اثر، بدون تاریخ چاپ در دو نوبت در استانبول به‌چاپ رسید؛ ۳) *سروری مجموعه‌سی* (مجموعهٔ سروری) یا *تواریخِ منتخبهٔ ترکیه*، که سروری منتخبی از مادّه‌تاریخهای سرودهٔ شاعران دیگر را در کنار مادّه‌تاریخهای سرودهٔ خود گرد آورده‌است. کچه‌جی‌زاده عزت‌ملا و اسد محمدافندی (تاریخ‌نگار) به این اثر مادّه‌تاریخهایی افزودند؛ کل مجموعهٔ سروری بعدها در ۱۲۹۹ به کوشش جودت‌پاشا، به همان نام در استانبول منتشر شد (*د.ا.ترک*، ذیل مادّه؛ < دایرةالمعارف ادیبان دنیای ترک >؛ *د.ا.د.ترک*، همانجاها).

منابع: ابوالضیاء توفیق، *سروریٔ مؤرخ*، قسطنطنیه ۱۳۰۵؛ محمدطاهر بروسه‌لی، *عثمانلی مؤلفلری*، استانبول ۱۳۳۳ـ۱۳۴۲؛ محمد ثریا، *سجل عثمانی*، استانبول ۱۳۰۸ـ۱۸۹۰/۱۳۱۵ـ۱۸۹۷، چاپ افست انگلستان ۱۹۷۱؛ احمدجودت‌پاشا، *بلاغت عثمانیه*، استانبول ۱۳۲۳؛ قطین داوود، *تذکرهٔ خاتمةالاشعار*، [استانبول] ۱۲۶۹؛

Elif Ayan Nizam, "Sürûrî'nin hezliyyât'ının tevârih bölümünden tarihî yansımalar", *Hitit Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü dergisi*, vol. 5, no. 2 (2012); **Rıdvan Canım**, "Klasik Türk edebiyatında tarih düşürme sanatı ve bir ebced ustası: Adanalı Sürûrî", *Atatürk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü dergisi*, vol. 13, no. 2 (2009); **E. J. W. Gibb**, *A history of Ottoman poetry*, ed. Edward G. Browne, vol. 4, London 1967; *İA*, s.v. "Sürûrî, Sayyid ʿOsmān" (by Ömer Faruk Akün); *Türk dünyası edebiyatçıları ansiklopedisi*, Ankara: Atatürk Yüksek Kurumu, 2002- , s.v. "Sürûrî (1752-1814)"; *TDVİA*, s.v. "Sürûrî, Seyyid Osman" (by Atilla Batur).

/ علی کالیراد /

سُروری، مصلح‌الدین مصطفی، دانشمند علوم اسلامی و ادیب و شاعر عثمانی در سدهٔ دهم. نام وی، مصطفی، تخلصش سُروری، لقبش مصلح‌الدین، انتسابش گَلیبولی‌لی، الکَلیبولیی، الرّومی و مذهبش حنفی ثبت شده‌است. او در ۸۹۷ در گلیبولی* به‌دنیا آمد. پدر سروری، خواجه‌شعبان، از تاجران ثروتمند بود، اما مدت کوتاهی نیز در کنار تجارت به شغل دیوانی پرداخت (*د.ا.ترک*؛ *د.ا.د.ترک*، ذیل مادّه). به نوشتهٔ عاشق‌چلبی (گ ۱۵۳ ر) سروری هرگز ازدواج نکرد. پدر سروری، برای تحصیل فرزندش بسیار کوشید و در این راه از هزینه‌کردن ملک و مال ابایی نداشت (*د.ا.ترک*، همانجا). سروری از علمای بزرگ روزگارش، نَهالی جعفرچلبی، قَره‌داوودافندی، قَدری‌افندی، طاشکوپری‌زاده* مصطفی‌اِفندی، و عبدالواسع‌افندی دانش آموخت (عطایی، ص ۲۳ـ۲۴). او با دریافت «اجازه» از فَناری‌زاده* محیی‌الدین‌افندی درسش را به‌پایان رساند و در آغاز بدون دریافت مستمری به‌کار پرداخت (قنالی‌زاده، ج ۱، ص ۴۵۷).

نخستین وظیفهٔ دولتی‌ای که پس از پایان تحصیلاتش به وی سپرده شد، نیابت مسند قضا بود. در ۹۲۷، زمانی‌که فناری‌زاده

1. *Türk dünyası edebiyatçıları ansiklopedisi* 2. Gibb 3. Canım 4. Ayan Nizam

İSAM DN. 268569 دانشنامه جهان اسلام، جلد ۲۳، تهران ۱۳۹۶

20 HAZ 2012
- Sürûrî Muslihuddin Mustafa
(132190)

کاملاً منطقی است. رمان حاجی‌بابا دربارهٔ عادات ایرانیان بود و میرزاحبیب در ترجمهٔ ژیل بلاس کوشید تا آن‌جا که می‌تواند به متن وفادار بماند، اما با وجود این نتوانست از این خیال درگذرد که تکیه‌کلام‌ها و مثل‌های فارسی را از نمود یافتن در این ترجمه بی‌نصیب بگذارد. راهبرد میرزاحبیب در ترجمهٔ آثار فرنگی به فارسی نشان می‌دهد که او هیچ‌کدام از ترجمه‌هایش را از روی تفنن انجام نداده و انتخاب و ترجمهٔ ژیل بلاس هم بی‌مقصود نبوده است. این‌که او رمانی همچون ژیل بلاس را برای ترجمه انتخاب می‌کند، جز آن‌که توجیه‌کنندهٔ ترجمهٔ حاجی‌بابا است، به نفس این سبک رمان‌نویسی نیز مربوط است. در این نوع رمان، زبان مردم کوچه‌وبازار، تکیه‌کلام‌ها و مثل‌های آنان، جایگاه ویژه‌ای دارد. میرزاحبیب در طول اقامت خود در استانبول به گردآوری این تکیه‌کلام‌ها و مثل‌های عامیانه پرداخته بود و ترجمهٔ چنین رمان‌هایی می‌توانست محملی باشد برای استفاده از این مخزن بی‌پایان. جز این، ترجمهٔ متون فرنگی برای ادیبی چون میرزاحبیب، خواه‌ناخواه، جنبهٔ آزمونگری نیز داشت. مثلاً در این جمله استحکام نثر و سجع سخن نشان از ادیب بودن مترجم دارد: «با این اندیشهٔ ابله‌فریب، به طلوع صبح ناشکیب، هنوز آفتاب سر بر نیاورده، از جامهٔ خواب سر برآوردم و در میان صحن کاروانسرا چندان های‌های کردم که همهٔ اهل آن‌جا بیدار شدند.» اما این مسئله که رمان ژیل بلاس دربارهٔ آداب و عادات قومی دیگر است، مانع از آن نبود که میرزاحبیب دست در کار سازکردن شعر و بیت، هرجا که لازم بیند، نبرد: «در دست راست در میان دره مرغزاری دیدم شکفته و خرم، مانند باغ ارم.» و بعد، همچون متن‌های کهن، کلمهٔ «نظم» می‌آید و این دو بیت در پی آن: «زمین نطع شقایق‌پوش گشته ـ شقایق مهد مرز نگوش گشته / شمال انداخته هرسو خروشی ـ زدی بر گاو چشمی پیل گوشی.» برخی از ابیاتی که در ترجمهٔ ژیل بلاس به کار رفته از خود مترجم و برخی از دیگر شاعران بزرگ فارسی است. ژیل بلاس نیز، همچون حاجی‌بابا، تا مدت‌ها پس از مرگ مؤلف ناشناس بود و مترجم آن را کسی دیگر می‌دانستند، تا این‌که مجتبی مینوی نسخهٔ دست‌نویس آن را به خط و امضای میرزاحبیب در یکی از کتابخانه‌های استانبول یافت و از مقایسهٔ این نسخه با ترجمه‌ای که به قلم دکتر محمدخان کفری کرمانشاهانی در ۱۳۲۲ ق به چاپ رسیده بود، معلوم شد که کرمانشاهانی ترجمهٔ میرزاحبیب را به نام خود به چاپ رسانده است، اما حتی اگر دست‌نویس میرزاحبیب هرگز یافت نمی‌شد، مقایسهٔ نسخه‌های ژیل بلاس با حاجی‌بابا می‌توانست کافی باشد. سبک و نظام سخن در هر دو کتاب یکی است و این چندان روشن است که نیاز به احتجاج نیست. هرچند میرزاحبیب پیش از رفتن به چشمه‌های آب معدنی بورسه، ترجمهٔ خود را به میرزاآقاخان کرمانی سپرد و او پس از مرگ میرزاحبیب آن را در ۱۳۱۲ ق بازنویسی کرد، اما به هر روی رد قلم میرزاحبیب در این ترجمه به روشنی دیده می‌شود. سرگذشت ژیل بلاس به کوشش غلام‌حسین میرزاصالح به چاپ رسیده است (تهران، ۱۳۷۷ ش).

منابع: از صبا تا نیما، ۱/۲۶۰، ۲۷۲، ۳۹۷، ۴۰۲؛ ایران و عثمانی در آستانهٔ قرن بیستم، ۱/۵۰۵ ـ ۵۱۶؛ ۲/۹۵۲ ـ ۹۵۳؛ پیدایش رمان فارسی، در صفحات فراوان؛ سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، ۴۳؛ سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی، چاپ مدرس صادقی، مقدمه؛ سرگذشت ژیل بلاس؛ صدسال داستان‌نویسی، ۱/۸۰، ۱۷۲.

شریفی

سروری (so.ru.ri)، مصلح‌الدین مصطفی فرزند خواجه‌شعبان رومی، گالیپولی ۸۹۷ ـ استانبول ۹۶۹ ق، شارح، مترجم، شاعر و نویسندهٔ عثمانی. پدرش در گالیپولی بازرگان و از مردم ثروتمند شهر بود. سروری تحصیلاتش را در زادگاهش به پایان رساند. علاقهٔ فراوان پدرش به دانش‌اندوزی فرزند و توانگری او سبب شد تا سروری در محضر دانشمندان پرآوازهٔ آن روزگار، همچون نهالی، جعفرچلبی/تاجی‌زاده، قراداود، قدری‌افندی، تاش‌کوپری‌زاده، مصطفی و عبدالواسع به فراگیری بپردازد. چون تحصیلاتش را به پایان برد، نخست در استانبول ملازم قاضی محیی‌الدین فناری‌زاده و پس از آن در ۹۲۷ ق به مقام «باب نایبی» وی منصوب شد و در سال‌های ۹۲۸ و ۹۲۹ ق که فناری‌زاده در سمت قاضی استانبول و قاضی‌عسکر آناتولی بود، با وی همکاری داشت. دیری نپایید که به سبب تذکره‌ای که به سفارش فناری‌زاده تألیف کرده بود، متهم به افشای اسرار حرفهٔ خود شد، چنان‌که ترک علم کرد و به خدمت شیخ طریقت نقشبندیه، محمودچلبی، درآمد. اندک زمانی بعد، عزم سفر حج کرد و پس از بازگشت به وطن، فناری‌زاده او را بخشود و به او

به سرپرستی: حسن انوشه، دانشنامهٔ ادب فارسی، جلد ششم، تهران ۱۳۸۳
ادب فارسی در آناتولی و بالکان

181500

SÜRÛRÎ, Muslihuddin Mustafa

1 AHMET FARUK ÇELİK, Sururi'nin Hafız Divanı serhinin incelenmesi, Selçuk Üniversitesi, Yüksek Lisans, 1996

2 HÜSEYİN OKUR, Muslihiddin Mustafa b. Şaban Sürûrî'nin Şerhu'l-Misbâh adlı eserinin edisyon kritiği, Sakarya Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2011

3 NİYAZİ ÜNVER, Gelibolulu Sürûrî ve Divanı, Gazi Üniversitesi, Doktora, 2010

4 ORHAN BAŞTÜRK, Süruri'nin mesnevi şerhi (tanıtım-indeks-tenkitli metin), Selçuk Üniversitesi, Yüksek Lisans, 1997

5 ÖZLEM GÜZELLER, Süruri Divanı'ndaki manzum tarihler (sayfa 250-322), Dumlupınar Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2007

6 RASHADAT HİDAYATOV, Gelibolulu Muslihuddin Mustafa b. Şaban Sürûrî'nin Şerhu'l-Binâ adlı eserinin tahkiki, Marmara Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2009

7 ŞENAY USLU, Sürûrî-i Müverrih'in manzum tarihleri (inceleme-transkripsiyonlu metin s.1-50), Dumlupınar Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2008

SONRA GELEN DOKÜMAN

Muslihuddin Mustafa (132190)

23 Şubat 2012

وفا

ندیمان و شاعران دربار مراد سوم عثمانی، را به زنی گرفت به ملاحبی اشتهار یافت. همزمان با برآمدن سلیم دوم به تخت شاهی (۹۷۴ ق) ملای بورسه و چندی بعد در همان سال قاضی استانبول شد. در ۹۷۶ق قاضی‌عسکر آناتولی شد، اما در ۹۷۸ ق از این سمت برکنارش کردند. در ۹۷۹ ق بار دیگر قاضی استانبول شد، اما در ۹۸۲ ق دوباره از این کار کنارش گذاشتند. در ۹۸۸ ق برای بار سوم قاضی استانبول و در همان سال از کار برکنار شد. وی در ۹۹۵ ق برای بار چهارم قاضی استانبول و در ۹۹۷ ق از این سمت عزل شد. چون درگذشت پیکرش را در گورستان ایوب، در جوار آرامگاه مادرزنش، به خاک سپردند. وصولی در فندق‌لی، مسجد و حمام و نیز در یرمیق‌قاپو مسجد و مکتبی بنا کرد. به گفتهٔ برخی منابع وی دیوان شعری داشته است. از آثارش: بدیعه که ترجمهٔ سراج‌الوهاج امام طرسوسی به ترکی است؛ ترجمهٔ لمعات فخرالدین عراقی به ترکی؛ جهادنامه به نظم و نثر ترکی که به نام سلیم دوم عثمانی (۹۷۴ ـ ۹۸۲ ق) نوشته شده است و نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ موزهٔ همایون در استانبول نگه‌داری می‌شود.

منابع: پارسی‌نویسان آسیای صغیر، ۶۵؛ تذکرة‌الشعراء، حسن‌چلبی، ۱۰۴۴/۲ ـ ۱۰۴۶؛ سجل عثمانی، ۱۲۷/۴ ـ ۱۲۸؛ عثمانلی مؤلفلری، ۴۷۵/۲؛ قاموس‌الاعلام، ۴۶۸۸/۶؛ کشف‌الظنون، ۹۸۴/۲؛ هدیة العارفین، ۲۵۹/۲؛

Türk edebiyatı ansiklopedisi, 4/1204.

معصومی

وفا (va.fā)، شیخ‌مصلح‌الدین‌مصطفی فرزند محمد/احمد، ـ ۸۹۶ق، عارف و شاعر عثمانی. در قونیه به دنیا آمد. از مشایخ بزرگ طریقهٔ زینیه بود. مرید شیخ‌عبداللطیف قدسی شد و از وی اجازهٔ ارشاد گرفت. پس از مرگ شیخ‌عبداللطیف خلیفهٔ او شد و به استانبول رفت. وی در استانبول به ارشاد و تبلیغ پرداخت و بسیار آوازه یافت. بااین‌همه، بیش‌تر زندگی او در گوشه‌نشینی و انزوا گذشت. هنگامی که از راه دریا به حج رفت، شهسواران رودس وی را دربند کردند، اما امیری قرامانی جان‌بهای او را پرداخت و او را آزاد کرد. پس از درگذشت وفا، شیخ‌خیرالدین جانشین او شد. پیکر او را پس از مرگ در درگاهی به نام خود او به خاک سپردند. مسجد و محله و گورستانی نیز به نام شیخ‌وفا هنوز بر جا است. شیخ‌وفا با نجوم، موسیقی و علوم دیگر آشنا و سخن‌رانی چیره‌دست بود. وی به پرسشی دربارهٔ اناالحق‌گویی منصور حلاج، در پاسخی رمزآمیز اناالحق گفتن او را با اناالباطل گفتن یکی دانسته است. شیخ‌وفا به فارسی، ترکی و عربی شعر می‌سرود. همچنین روزنامچه‌ای از او به جا مانده است.

منابع: دفتر کتبخانهٔ ایاصوفیه، ۲۳۳؛ ریحانة‌الادب، ۳۳۳/۶ ـ ۳۳۴؛ الشقایق‌النعمانیه، ۲۳۷ ـ ۲۴۴؛ عثمانلی مؤلفلری، ۱۸۱/۱؛ قاموس‌الاعلام، ۴۶۸۸/۶؛ مولویه بعد از مولانا، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۶، ۳۰۲، ۳۰۳؛

Türk edebiyatı ansiklopedisi, 4/1254.

سارم

وفا (va.fā)، احمد فرزند محمدبهجت طرابزونی، مکه ۱۲۸۵ ـ استانبول ۱۳۱۸ ق/۱۸۶۸ ـ ۱۹۰۱م، شاعر و مترجم عثمانی. پدرش مکتوب‌چی (رئیس امور تحریریه) ولایت حجاز بود. چون محمدبهجت درگذشت (۱۸۷۸م)، وفا با خانواده‌اش به استانبول رفت. وی که برادر کهتر اسماعیل صفا، شاعر و روزنامه‌نگار عثمانی (۱۸۶۷ ـ ۱۹۰۱م)، بود، با هم‌او، پس از موفقیت در آزمونی به دارالشفقهٔ استانبول راه یافت و دورهٔ آن را به پایان رسانید. سپس در دایرهٔ امور گمرک به کار پرداخت، اما پس از چندی مشاعرش را از دست داد و سرانجام در تیمارستان درگذشت. خاکجایش در گورستان قرجه‌احمد است. اشعارش در مجموعه‌ای به نام اشعار وفا به کوشش برادرش علی کامی گردآوری و چاپ شده است (استانبول، ۱۳۲۸ ق). وفا این ابیات را برای برادرش اسماعیل صفا سروده است: «ز مقتضای نامت مستغرق صفا شو ـ خواهی به نزد ما شو خواهی ز ما جدا شو / چون در میان صحرا مانی خموش و تنها ـ در خاطر آر ما را یادآور وفا شو / باقی همیشه هر آن ای نور چشم وجدان ـ در لطف و صون یزدان در امن کبریا شو.» از دیگر آثارش: ترجمهٔ مغرورهٔ عشق از فرانسه با همکاری اسماعیل صفا (استانبول، ۱۳۰۸ و ۱۳۲۸ ق).

منابع: عثمانلی مؤلفلری، ۲۹۱/۲؛

Son asır Türk şairleri, 5/1925-1927.

محمدی

به سرپرستی: حسن انوشه؛ دانشنامهٔ ادب فارسی؛ جلد ششم، تهران ۱۳۸۲
ادب فارسی در آناتولی و بالکان

Güleç, İsmail. "Bahrü'l-ma'ârif'e göre XVI. asır edebî ıstılahlar." Yüksek Lisans Tezi. İstanbul Üniversitesi, 1997. (Danışman: Doç. Dr. A. Atillâ Şentürk) SÜRÛRÎ – 181500 Muslihiddin

Yakup Şafak: "Sürurî'nin Bahrü'l Ma'arif'i Enisü'l-Uşşak ile Mukayesesi", 1991, XVII + 503 s. Danışman: Doç.Dr. Ömer Okumuş.

Atatürk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü
Doğu Dilleri ve Edebiyatları Anabilim Dalı
.Doktora.. Tezi.

181500 Sururi Muslihud

Hüsameddin ZÜMRÜTLER
Türk Dili ve Edebiyatı
Yüksek Lisans Tez Dönemi
"Surûrî'nin Hafız Divanı Şerhi"
Eski Türk Edebiyatı

Danışmanı: Doç.Dr. Cihan OKUYUCU

Erciyes Üniversitesi
Fen -Edebiyat Fakültesi (Tarihsiz).

06 HAZİRAN 1996

Ortaç, Meral. "Surûrî'nin Hafız Divanı şerhi: biyografi, devir araştırması ve edisyon kritik." Yüksek Lisans Tezi. Ege Üniversitesi, ______ (Danışman: Prof. Dr. Tunca Kortantamer) Divan ediyet.

06 HAZİRAN 1996

28 TEM 2006

Elbir, Bilal. "Surûrî'nin Şerh-i Şebistân-ı Hayâl'i: metin-inceleme." Doktora Tezi. Ege Üniversitesi, 2003. 394 y. (Danışman: Doç. Dr. Nezahat Öztekin)

181500

Sururi Muslihuddin Mu

Ayan, Elif. "Sürûrî ve Hezliyyât'ı: İnceleme-Tenkitli Metin-Sözlük." Yüksek Lisans Tezi. Hacettepe Üniversitesi, 2002. 322s. (Danışmanı: Doç. Dr. Osman Horata)

1.1.6 Batur, Atilla. "Sürûrî Divanı: hayatı, edebi kişiliği ve Divanının tenkitli metni." İnönü Üniversitesi, 2002. XV,482y. (Danışman: Yrd. Doç. Dr. Sadık Armutlu)

22 AĞUSTOS 2004

08 OCAK 1996

181500 SÜRURİ Seyyid Osman(?)
OKATAN, H.İbrahim : Süruri'nin Bahru 'l Ma'arif'i - İnceleme ve Mukaddime Metni-, İZMİR /1986, 86 +8 (Metin), (EFK.N.53)
Ege Ü. Ed. Fak. Türk Dili ve Ed. Böl. Y. Lisans

Teftazani 669
- Cürcani Seyyid Şerif 669
- Musannifek 669
- Ali Kuşçu 669
- Molla Hüsrev 670
- Kesteli 671
- Zekeriya el-Ensari 672
- Devvani 672
- Kemalpaşazade 672
- İsferayini İsamüddin 672
- Sururi Muslihuddin Mustafa 673
- Ebüssuud Efendi 673
- Kadızade Ahmed Şemseddin 673
- Sarfşai Kazvini 673
- Siyalkuti 673-674
- Atpazari Osman Fazlı 674
- Tusi Alaeddin 675
- Hisamzade Mustafa Ef. 675
- Kazabadi 675

-Sadrüşşeria
- Teftazani 667
- İbn Kutluboğa Seyfeddin 668-669
- Hatibzade Muhyiddin Efendi 668
- Kesteli 668
- Konevi İsmail Efendi 668
- Mercani 668
- Mukrekar 668
- İbn Kutluboğa 669

تنقيح الأصول

لصدر الشريعة عبيدالله بن مسعود بن محمود بن عبدالله بن محمد بن عمر بن صدر الشريعة المحبوبي البخاري المتوفى سنة ٧٤٧ هـ .

(تاج التراجم : ١٤٢ ، الفوائد البهية : ١٠٩) أوله : االيه يصعد الكلم الطيب الخ ذكر فيه أنه لما كان العلماء مكبين على مباحث فخر الإسلام البزدوي (الأصول) (انظره) ووجد بعضهم طاعنين على ظواهر ألفاظه أراد تنقيحه وحاول تبيين مراده وتقسيمه على قواعد المعقول مورداً فيه زبدة مباحث الأصول الخ (كشف الظنون : ٤٩٦) خ أزهرية برقم ١٤٧١ / ٣٧٦٤٧ وأخرى خ سنة ١١٢٣ ، بنفس المكتبة ١٥٧٣ ، عروسي ٤٣٢٣٢ ، وبرلين ٤٣٩٣ وغيرها .

***

ـ التوضيح في حل غوامض التنقيح للمؤلف
أوله حامداً لله أولاً وثانياً ولعنان الثناء إليه ثانياً الخ خ سنة ١١٧٧ هـ بأوقاف بغداد ٣٧٨٩ ، ونسخ أخرى بنفس المكتبة وكوبريلي ٤٨١ .
وعلى هذا الشرح عدة حواش منها حاشية :

سعد الدين مسعود بن عمر التفتازاني المتوفى سنة ٧٩٣ هـ (سيأتي) .
● **حاشية على التوضيح في حل غوامض التنقيح لعبيد الله بن مسعود بن صدر** الشريعة خ سنة ٩٦٨ هـ بمكتبة عموجه باستانبول ٥٥ (الفهرس الشامل ٣ : ٣٩١) .

محيي الدين عبد القادر بن أبي القاسم بن أحمد الأنصاري السعدي الخزرجي المتوفى سنة ٨٨٠هـ (الضوء اللامع ٤ : ٢٨٢ ، بغية الوعاة : ٣٠٩ ، شذرات الذهب ٧ : ٣٢٩) .
● **حاشية على التوضيح**
(كشف الظنون : ٤٩٩) .

سيف الدين محمد بن محمد بن عمر بن قطلوبغا

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروحة في التراث الأسلامي و بيان شروحه), الجزء الأول, 1425/2004 ابو ظبي , ص. 667-675. İSAM 130564.

(الفقه) ٣ : ٩٢٦) .
●● **حواش على حاشية شيخ الإسلام أحمد حفيد التفتازاني**
خ سنة ١١٦٦ بطرسبورغ .

قوام الدين يوسف بن حسن الحسيني الشيرازي الرومي الشهير بقاضي بغداد المتوفى سنة ٩٢٢ (الكواكب السائرة ١ : ٣١٩ ، الشقائق النعمانية ١ : ٤٦٩ ، شذرات الذهب ٨ : ٨٥ ، هدية العارفين ٢ : ٥٦٣ ، كحالة ١٣ : ٢٩٠) .
● **حاشية على التلويح للتفتازاني.**

سعد الدين عيسى بن أمير خان الشّهير بسعدي جلبي المتوفى سنة ٩٢٤ هـ (كحالة ٨ : ٢١) .
● **حاشية على التلويح**
خ كوبريلي ١٥٩٦ / ٣ .

شيخ الإسلام زكريا بن محمد الأنصاري المتوفى سنة ٩٢٦ هـ (سبق) .
● **حاشية شيخ الإسلام زكريا بن محمد على التلويح،**
طبع بالهند سنة ١٢٩٢ هـ منها نسخة بالأزهرية برقم ١٥٠ رافعي ٢٧٠٣٣ .

محيي الدين محمد بن محمد البرادعي التبريزي الرومي الحنفي المتوفى سنة ٩٢٧ هـ (الكواكب السّائرة ١ : ١١٨ الشقائق النعمانية ١ : ٦٦ ، وسبق في أنوار التنزيل) .
● **حاشية على التلويح**
خ سنة ١١١٧ بمكتبة راشد أفندي قيصرية ١ / ٦٤٩ (٩٧٣) وأخرى جورليلي علي باشا إستانبول ١٥١ في ١١٨ ورقة (الفهرس الشامل (الفقه) ٣ : ٣٧٧) .

جلال الدين محمد بن أسعد الصديقي الدواني المتوفى سنة ٩٢٨ هـ (سبق) .
● **التلويح بالتوضيح (؟)**
خ الموصل ٢٢٦ / ٥٦ (بروكلمان ٧ : ٣٠٨) .

أحمد بن سليمان المعروف بكمال باشا المتوفى سنة ٩٤٠ هـ (سبق) .
● **تغيير التنقيح**
(حاشية على أوائل التلويح) خ بالأزهرية ٨٨١ / ٢٢٤٤٤ ، ولاله لي ٧٠٦ ، والسليمانية ١٠٤٦ ، والآصفية ١ : ٩٢ / ٢٣ ، (بروكلمان ٧ : ٣٠٧) ، طبع بالأستانة سنة ١٣٠٨ هـ في ٢٩٥ صفحة
وعلى هذه الحاشية حاشية .

صالح بن جلال التوقيعي (كشف الظنون : ٤٩٩) .
●● **حاشية على التغيير لابن كمال باشا.**

إبراهيم بن محمد عربشاه المعروف بالعصام الإسفرايني المتوفى سنة ٩٥٤ هـ (سبق)
● حاشية على التلويح خ سنة ١٠٨٣ بالسعيدية بحيدر آباد ١١٤ أصول فقه وأخرى بالمسجد الأقصى بالقدس خ سنة ١٠٨٣ هـ ـ ٣٢٧ ، وجوتا ٧٠ (بروكلمان ٧ : ٣٧ ، والفهرس الشامل (الفقه) ٣ : ٣٧٦ .

محمد بن محمد بن محمد بن بلال المتوفى سنة ٩٥٧ هـ (الكواكب السائرة ١١ : ٧ ، شذرات

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروحة في التراث الأسلامي و بيان شروحه), الجزء الأول, 1425/2004 ابو ظبي , ص. İSAM 130564.

الذهب ٨ : ٣١٩ ، كحالة ١١ : ٢٥٧ و ٢٩٦) .
● **حاشية على التلويح**
خ سنة ٩٣٣ هـ بخط المؤلف بجامعة كمبردج (٧) ١٢٧٠ (الفهرس الشامل (الفقه) ٣ : ٣٧٧ .

مصلح الدين مصطفى بن شعبان السروري الحنفي الرومي المتوفى سنة ٩٦٩ هـ (العقد المنظوم ٢ : ٢١٤ ، شذرات الذهب ٨ : ٣٥٦ ، الأعلام ٧ : ٢٣٥) .
● **حاشية على التلويح شرح التنقيح**
خ مراد ملا أستانبول ٦٤٨ .

شيخ الإسلام محمد (أحمد) بن محيي الدين محمد بن مصطفى الأسكليبي العمادي المعروف بأبي السعود المتوفى سنة ٩٨٢ هـ (هدية العارفين ٢ : ٢٥٣ ، وسبق في الإرشاد) .
● **غمزات المليح في أول مباحث العام من التلويح .**

أحمد بن محمود الأدرنوي الرومي المعروف بقاضي زادة المتوفى سنة ٩٨٨ هـ (شذرات الذهب ٨ : ٤١٤ ، كحالة ٢ : ١٧١) .
● **تعليقه على التلويح.**

حبيب الله بن عبد الله المعروف بميرزاجان (المتوفى سنة ٩٩٤ هـ (سبق) .
● **حاشية على التلويح**
خ الاستشراق بطرسبورغ ٣٧٧٠ (الفهرس الشامل (الفقه) ٣ : ٣٩٠ .

عوض بن عبد الله العلائيه وي المنوغادي القاضي لعسكر الروم ايلي الحنفي المتوفى سنة ٩٩٤ هـ (هدية العارفين ١ : ٨٠٤ ، كحالة ٨ : ١٥) .
● **حاشية على التلويح.**

وجيه الدين العلوي الكجراتي المتوفى سنة ٩٩٨ هـ (أبجد العلوم : ٨٩٦ ، معارف العوارف : ١٢٥ ، الأعلام ٨ : ١١٠) .
● **حاشية على التلويح**
خ متحف سالار جنك حيدر آباد ١٣ ، والأحمدية بتونس ٢٦٠٤ (الفهرس الشامل (الفقه) ٣ : ٣٨٣ .

يعقوب بن حسن الصوفي الكشميري العاصمي المتوفى سنة ١٠٠٣ هـ (معارف العوارف : ٢٥ ، هدية العارفين ٢ : ٥٤٧ ، كحالة ١٣ : ٢٤٧) .
● **حاشية على التلويح.**

هبة الله بن محمد العلائي الرومي الحنفي المتوفى سنة ١٠٢٩ هـ (هدية العارفين ٢ : ٥٠٧) .
● **تعليقه على التلويح.**

عبد الحكيم بن شمس الدين السيالكوتي المتوفى سنة ١٠٦٧ هـ (سبق) .
● **حاشية على التلويح**
خ التيمورية برقم ٥٨ ومانشتر ١٦٣ ، ولاله لي ٧٠٩ / ١٠ ، وبشاور ٥٧٧ ، طبع بالهند سنة ١٢٢٩ هـ (بروكلمان ٧ : ٣٠٧) .

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروحة في التراث الأسلامي و بيان شروحه), الجزء الأول, 1425/2004 ابو ظبي , ص. İSAM 130564.

—Camiü's-Sahih
—Buhari Muh. b. İsmail
—Hattabi 396
—Temimi Muh. b. Ahmed 397
—ibnü'l-Hazza 397
—ibn Battal el-Kurtubi 397
—ibnü'l-Müneyyir 398
—ibn Hazm 398
—ibn Abdilber en-Nemeri 398
—Pezdevi Ebü'l-Usr 398
—İsa b. Sehl 398
—Ebu Ali es-Sadefi 398
—Teymi 399
—İlbiri Muhammed b. Halef 399
—Nesefi Necmüddin 399
—ibnü'l-Arabi Ebu Bekr 399
—ibn Halfun 400
—ibnü'r-Rumiyye 400
—Ziyaeddin el-Makdisi 400
—İbnü'l-Kıfti 400
—Sagani Radiyyüddin 400
—ibnü'l-Ebbar 400
—ibn Malik et-Tai 400-401
—Nevevi 401
—Dimyati Abdülmümin b. Halef 401
—Kutbuddin el-Halebi 401

02 MAYIS 2006

—Moğultay b. Kılıç
—ibn Kesir Ebü'l-Fida 402
—Kirmani Şemseddin 402
—Şatıbi İbrahim b. Musa 402
—Zerkeşi 403-404
—Tüsteri Nasrullah b. Ahm. 403
—ibn Receb 403
—ibnü'l-Mülakkın 403
—Bulkini Abdurrahman b. Ömer 404
—ibnü'd-Demamini 404
—Birmavi Muh. b. Abdüddaim 405
—Acmi Muh. b. Ahmed 405
—Sıbt İbnü'l-Acemi 405
—ibn Merzuk el-Hafid 406
—ibn Hacer el-Askalani 406
—Rassa' 407
—Meyyare 407
—ibnü'l-Ehdel 407
—Ayni Bedreddin 407-8
—Kavukçi 408
—Ebu Zer el-Halebi 408
—Celal el-Bekri 409
—ibnü'l-Mibred 410
—Celaleddin es-Suyuti 410
—Kastallani Muh. b. Ahmed 411
—Eyari 411-412
—Menufi 412
—Kemal Paşazade 413
—ibn Tolun Şemseddin 413
—Sürüri Muh. b. Mustafa 413

البخاري

صحيح البخاري ، الجامع الصحيح

للإمام الحافظ أبي عبد الله محمد بن إسماعيل الجعفي البخاري المتوفى سنة ٢٥٦ هـ .

(افردت ترجمته بعدة كتب انظر كتابنا معجم الموضوعات المطروقة في التأليف الإسلامي . وترجمته في تاريخ بغداد ٢ : ٤ ، والوافي بالوفيات ٢ : ٢٠٦ ، ووفيات الأعيان ١ : ٥٧٦ ، ومرآة الجنان ٢ : ١٦٧ ، وطبقات الشافعية للسبكي ٢ : ٢ ، وشذرات الذهب ٢ : ١٣٤) قال في كشف الظنون : ٥٤١ ، هو أول الكتب الستة في الحديث وأفضلها على المذهب المختار قال الإمام النووي في شرح مسلم : إن أصح الكتب بعد القرآن الكريم الصحيحان صحيح البخاري ومسلم وتلقاهما الأمة بالقبول وكتاب البخاري أصحهما صحيحاً وأكثرهما فوائد وقد توسع صاحب كشف الظنون وغيره في الحديث عن فضائله . . . والقصد هنا هو استيفاء ما كتب حوله . . .

***

أبو علي الحسن بن محمد بن حسين بن الحسن ابن جعفر الحسيني العلوي البغدادي المتوفى سنة ٣٥٨ هـ (الأعلام ٢ : ٢١٣) (الفهرس الشامل : ١٨٣٨) .

ـ الكوكب النهاري في شرح صحيح البخاري
خ السليمية سنة ١٥٢٠ هـ ٩ (١١٣) .

أبو أحمد محمد بن أحمد بن الحسين بن القاسم ابن الغطريف بن الجهم الغطريفي العبدي الجرجاني الرباطي المتوفى سنة ٣٧٧ هـ (العبرة : ٥ ، تذكرة ٣ : ١٧٠ ، لسان الميزان ٥ : ٣٥ ، شذرات الذهب ٣ : ٩٠) .

ـ المسند الصحيح على صحيح البخاري
(الرسالة المستطرفة : ٨٨) .

محمد بن محمد بن أحمد بن إسحاق النيسابوري المعروف بالحاكم المتوفى سنة ٣٧٨ هـ (الوافي بالوفيات ١ : ١١٥ ، سير أعلام النبلاء ١٠ : ٢٤٠ ، مرآة الجنان ١ : ٤٠٨ ، كحالة ١١ : ١٨٠) .

ـ مصنف على الجامع الصحيح.

أبو عبد الله محمد بن العباس بن أحمد بن محمد بن أبي ذهل الهروي المتوفى سنة ٣٧٨ هـ (تاريخ بغداد ٣ : ١١٩ ، الوافي بالوفيات ٣ : ١٩١ ، العبر للذهبي ٣ : ٩ ، شذرات الذهب ٣ : ٩٢ ، إتحاف القاري : ٢٦٩) .

ـ المصنف الصحيح على صحيح البخاري .

أبو سليمان أحمد بن محمد بن إبراهيم بن الخطاب البستي المتوفى سنة ٣٨٨ هـ (انباه الرواة ١ : ١٢٥ ، وفيات الأعيان ١ : ١٦٦ ، يتيمة الدهر ٤ : ٢٣١) .

١ـ شرح البخاري
خ بعنوان تفسير أحاديث الجامع الصحيح
خ بمكتبة الرباط برقم ١١٨٠ أوقاف
(الأعلام ١ : ٧٣) .

٢ـ أعلام السنن

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الأسلامي و بيان شروحه), الجزء الأول, 1425/2004 ابو ظبي , ص. 396-437 İSAM 130564.

الأعلام ٤ : ١٧٣) .

● نيل الأماني في توضيح مقدمة القسطلاني
طبع بهامش إرشاد الساري بمصر سنة ١٣٢٥ هـ (سركيس : ٢٦١) .

محمد بن محمد بن حسين الأنبابي شيخ الأزهر المتوفى سنة ١٣١٣ هـ (سبق) .

● تقرير على مقدمة القسطلاني إرشاد الساري
(كحالة ١١ : ٢٠٩) .

أحمد بن إسماعيل بن أحمد شكري الأنقروي المتوفى سنة ١٣١٧ هـ (هدية العارفين ١ : ١٩٥) .

● النجوم الدراري على إرشاد السّاري.

بداه بن البصيرى التندغي (القرن الرابع عشر) (بلاد شنقيط : ٥٤٩)

✱ فوائد القسطلاني

واختصره:

محمد بن عثمان بن الطالب الصديق الخضر بن الفقيه (الفهرس الشامل : ١٧٩٨) .

✱ مختصر إرشاد الساري شرح صحيح البخاري للقسطلاني خ الوطنية باريس (العمرية) ٢٨٩ ، ضمن مجموعة بخط المؤلف (الفهرس الشامل : ١٣٩٨) .

أبو يحيى زكريا بن محمد بن أحمد بن زكريا الأنصاري المتوفى سنة ٩٢٦ هـ (سبق) .

ـ تحفة الباري على صحيح البخاري
خ سنة ٩٨٦ بالأحمدية بحلب (٢٠٨)

أخرى خ سنة ١٠٨٧ تطوان ٣ ـ ٤١ (٣٢٢ / ٧٠٩) ثالثة أوقاف بغداد ٦ / ١١٨ ، ونسخ أخرى (الفهرس الشامل : ٣٣٨) طبع بهامش إرشاد الساري للقسطلاني بمصر سنة ١٣٢٥ هـ .

إختصر المختصر

محمد صادق بن عبد الهادي السندي المتوفى سنة ١١٣٨ هـ (سيأتي) .

✱✱ مختصر تحفة الباري في شرح البخاري طبع بهامش حاشيته على صحيح البخاري الآتية :

نور الدين علي بن محمد بن محمد المنوفي الشاذلي المتوفى سنة ٩٣٩ هـ (نيل الابتهاج : ٢١٢ ، شجرة النور : ٢٧٢) .

ـ معونة القاري لصحيح البخاري
خ شستربتي ٤٨٦٤ ، والأزهرية ٦٣٩ وأخرى بنفس المكتبة (٤٢٩) ٣٢٩٤ وخزانة القرويين ١٤٦ (الفهرس الشامل : ١٥٤٢) .

وعليه مختصر:

لأبي زيد عبد الرحمن بن محمد بن عياش العباشي المتوفى بعد سنة ١١٣٢ هـ (الفهرس الشامل : (١١٨٤١) .

✱ غنية البدوي وعجالة القروي على ما في البخاري من الحديث النبوي (مختصر معونة القاري للمنوفي) خ الرباط ٢/ ١ ـ (٦٨١٨) ، والصبيحية بسلا (٦٧) (الفهرس الشامل : ١١٣٤) .

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الأسلامي و بيان شروحه), الجزء الأول, 1425/2004 ابو ظبي , ص. İSAM 130564.

أحمد بن سليمان المعروف بكمال باشا المتوفى سنة ٩٤٠ (سبق) .

ـ شرح الجامع الصحيح
(هدية العارفين ١ : ١٤١) .

شمس الدين محمد بن محمد الدلجي المتوفى سنة ٩٤٧ هـ (سبق) .

ـ شرح الجامع الصحيح
(هدية العارفين ٢ : ٢٣٧) .

محمد بن على بن طولون الصالحي المتوفى ٩٥٣هـ (سبق)

ـ قدح الفكر الرجيح في مبهمات جامع البخارى الصحيح (الفلك المشحون: ١٢٥)

قطب الدين أبو الحسن علي بن أحمد بن محمد الحموي الكيزواني المتوفى سنة ٩٥٥ هـ (الكواكب السائرة ٢ : ٢٠١ ، هدية العارفين ١ : ٧٤٥) .

ـ السر الساري في معاني أحاديث منتخبة من صحيح البخاري.

عبد الواحد بن أحمد بن الحسن الونشريشي الفاسي المتوفى سنة ٩٥٥ هـ (شجرة النور : ٣٨٢ ، سلوة الأنفاس ٢ : ١٤٦) .

ـ تعليق على الجامع الصحيح.

شمس الدين محمد بن عمر بن أحمد السفيري المتوفى سنة٩٥٦ هـ (الكواكب السائرة ٢ : ٥٦ ، شذرات الذهب ٨ : ٣٢) .

ـ شرح الجامع الصحيح

خ بالتيمورية ٢ / ١٤٩ ، وبرلين ١٢١٢ ، والأزهرية ٦٢٤ ، وأوقاف بغداد ٧ / ٢٦ (الفهرس الشامل : ٩٦٦) .

شهاب الدين أحمد بن عبد الحق المتوفى قبل سنة ٩٦٢ هـ (الفهرس الشامل : ٩٦٥) .

ـ شرح الجامع الصحيح
خ ولي الدين جار الله ٢٠ / ٣٢٥ (سزكين : ١/ ١٣٩) .

عبد الرحيم بن أحمد بن عبد الصمد بن أحمد العباسي المتوفى سنة ٩٦٣ هـ (الكواكب السائرة ٢ : ١٦١ ، هدية العارفين ١ : ٥٦٣) .

ـ فيض الباري شرح غريب الصحيح للبخاري
خ سنة ١١٨٣ هـ ، راغب باشا ٢١ (٢٩٨) . والحميدية ١٦ (٢٩٩) (الفهرس الشامل : ١٢٢٤) .

عبد الأول بن علي مير علائي الحسيني الزبد بوري الهندي الحنفي المتوفى سنة ٩٦٨ هـ (عوارف المعارف : ١٥٠ ، هدية العارفين ١ : ٤٩٣) .

ـ فتح الباري شرح الجامع للبخاري
خ تونك ١/ ٣٠ (الفهرس الشامل : ١٢٢٤) .

مصطفى بن شعبان الكليبولي الرومي المعروف بسروري المتوفى سنة ٩٦٩ هـ (شذرات الذهب ٨ : ٣٥٦ ، هدية العارفين ٢ : ٤٣٤ ، الأعلام ٧ : ٢٣٥) .

ـ شرح الجامع الصّحيح.

شمس الدين محمد الفارضي الحنبلي المتوفى

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الأسلامي و بيان شروحه), الجزء الأول, 1425/2004 ابو ظبي , ص. İSAM 130564.

- Marginani
- el-Hidaye
- Harisi Mahmud b. Ubb. 2063
- ibn Teymiye Mecdüddin 2063
- Mecdi's-Şeria 2063
- Habbazi 2063
- Nesefi Ebu'l-Berekat 2064
- ibnu'l-Ud Beyri 2064
- Sıgnaki 2064
- Abdulaziz el-Buhari 2065
- ibn Abdilhak el-Vasıti 2065
- ibnu't-Türkmani Tacüddin 2065
- Qarpardi 2065
- ibn Melekan 2065
- Katei 2065
- ibnu't-Türkmani Alaeddin 2066
- Tarsusi Necmeddin 2066
- Itkani 2066
- Gaznevi Ömer b. Ishak 2066
- Kureşi 2066
- Konevi Cemaleddin 2066-67
- Babarti 2067

Sadi Çelebi 2067
Sururi Muslihuddin Mustafa 2067
Curcani Seyyid Şerif 2068
Kariu'l-Hidaye 2068
Kara Yakub 2068
Ayni Bedreddin 2069
ibnu'l-Hümam 2069
Sadi Muh. b. Abdilhadi 2069
Halebi İbr. b. Muh 2069
Musannif 2069-70
İbnü'ş-Şihne Ebu'l-Fazl 2070
Sururi Muslihuddin Mustafa 2070
Dinar Ömer 2070
Ahizade Yusuf Efendi 2070
Hamid ... Efendi Efdaleddin 2070
Fenarizade Muh. Muhiddin Şah 2071
Zenbilli Ali Ef. 2071
Kemalpaşazade 2071
Tafazayi İsameddin 2071
Şeyhzade Muhyiddin Mehm 2072

- ibn Tulun Şemseddin 2072
- Taşköprüzade Ahmet Ef. 2072
- ibn Nüceym Zeyneddin 2072
- Kınalızade Ali Ef 2073
- Birgi 2073
- Ebussuud Efendi 2073
- Sinan Efendi 2073
- Kadızade Ahmet Şemseddin 2073
- Ali Çelebi Hınnam 2074
- Bayramzade Zekeriyya Ef. 2075
- Ahizade Abdülhalim Ef. 2075
- Ali el-Kari 2075
- Taşköprüzade Kemaleddin Mehm 2076
- Siyalkuti 2077
- Mustafa Ef. Balizade 2077
- Hamevi Ahmed b. Muh 2077
- Nablusi Abdülgani 2077
- La'lizade Abdülbaki 2077
- Leknevi 2078
- ibnu't-Türkmani Alaeddin 2078
- Zeylai Abdullah b. Yusuf 2078
- Kureşi 2079
- ibn Hacer el-Askalani 2079
- ibn Kutlubuga 2079

23 NİSAN 2005

الهداية

لشيخ الإسلام برهان الدين أبي الحسن علي بن أبي بكر بن عبد الجليل الفرغاني المرغيناني المتوفى سنة ٥٩٣هـ .

(الجواهر المضية : ٢٨٣ الفوائد البهية : ١٤١ ، الأعلام ٤ :٢٦٦) أوله : الحمد لله الذي أعلى معالم الدين وأعلامه الخ قال في الكشف : وهو شرح على متن له يسمى بداية المبتدي ألفه في مدة قدرها ثلاث عشرة سنة وكان صائماً في تلك المدة لا يفطر أصلاً وكان يجتهد أن لا يعلم بصيامه أحد فكان ببركة زهده وورعه انتشر كتابه وأصبح مقبولاً بين العلماء الخ (كشف الظنون : ٢٠٣١) خ برلين ٤٤٨٨ وباريس ٨٤٢ والمتحف البريطاني ١٩٦ وبرنستون ٢٣٦ ونسخ أخرى (بروكلمان ٣ :٦٨٢) طبع في بومباي ١٢٧٩ ولكنو سنة ١٣٠٤هـ وسنة ١٣٠٦هـ ومصر سنة ١٢٨٢هـ ومطبعة الحلبي سنة ١٣٥٥هـ وغيرها .

***

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الأسلامي و بيان شروحه), الجزء الثالث, 1425/2004 ابو ظبي , ص 2062 - 2079. İSAM 130566.

نجم الدين أبو إسحاق إبراهيم بن علي الطرسوسي الحنفي المتوفى سنة ٧٥٨هـ (المنهل الصافي ١ :١١٠ ، الفوائد البهية : ١٠ ، كحالة ١ :٦٢) .

ــ شرح الهداية
(كشف الظنون : ٢٠٣٩) .

أمير كاتب الأتقاني . أبو حنيفة لطف الله بن أحمد بن أمير عمر الفارابي المتوفى سنة ٧٥٨هـ (سبق في أصول البزدوي) .

ــ غاية البيان ونادرة الأقران في شرح الهداية للمرغيناني
ألفه سنة ٧٢١هـ وهو في سن اثنتين وثلاثين سنة (كشف الظنون : ٢٠٢٣) قال اللكنوي : طالعته فوجدته كما قال الكفوي لديه التعصب لمذهبه بسيط اللسان على مخالفيه اهـ أوله : الحمد لله الذي ألهمنا طريق الهداية الخ خ الأزهرية (٢٧٤) ٥٤٣٩ وبرلين ٤٤٩٢ ويني جامع ٤٩٠ وسليم آغا ٣٦٧ وبشاور ٤٥٥ وأوقاف بغداد ٣٧٦٠ ودار الكتب الوطنية بتونس ٥٦١١ــ٥٦١٤ وغيرها .

حميد الدين مخلص بن عبد الله الهندي الدهلوي المتوفى سنة ٧٦٤هـ (معارف العوارف : ١٠٥ ، وكحالة ٢ :٢١١) .

ــ شرح الهداية .

جلال الدين شمس الدين الخوارزمي الكرلاني المتوفى سنة ٧٦٧هـ (كشف الظنون : ٢٠٣٤) (الهامش) .

ــ الكفاية شرح الهداية
أوله : الحمد لله الذي أسس على قواعد الكتاب والسنة مباني الدين والإسلام الخ خ الأزهرية (٩٣٩) ١٤٣٥٧ وأوقاف بغداد ٣٧٠٠ ودار الكتب المصرية ٣٨٨ والظاهرية ٥٣٣٤ طبع حجر بمبي سنة ١٢٧٩ ولكنو سنة ١٢٩٨هـ كلكتا سنة ١٣٠٤ وغيرها (سركيس : ٨٣٩) .

عبد الله بن علي بن عثمان المعروف بابن التركماني المارديني المتوفى سنة ٧٦٩هـ .

ــ شرح الكفاية شرح الهداية
(حاشية على شرح والده السابق) (كشف الظنون : ٢٠٣٥) .

سراج الدين أبو حفص عمر بن إسحاق بن أحمد الغزنوي الهندي المصري المتوفى سنة ٧٧٣هـ (سبق في جامع الشيباني) .

ــ التوشيح شرح الهداية
(تاج التراجم : ١٦٧) .

محمد بن عثمان أبو المليح المعروف بابن الأقرب المتوفى سنة ٧٧٤هـ (تاج التراجم : ٢٢٤ ، والدرر الكامنة ٤ :٤٤ ط أبي النور وشذرات الذهب ٦ :٢٣٥) .

ــ الرعاية في تجريد مسائل الهداية .

محيي الدين عبد القادر بن محمد بن محمد بن نصر الله بن أبي الوفا القرشي المتوفى سنة ٧٧٥هـ (سبق في معاني الآثار) .

ــ أوهام الهداية
(الأعلام ٤ :٤٢) .

جمال الدين أبو المحاسن محمود بن أحمد بن

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الأسلامي و بيان شروحه), الجزء الثالث, 1425/2004 ابو ظبي , ص. İSAM 130566.

مسعود بن عبد الغني القونوي المعروف بالسراج المتوفى سنة ٧٧٧هـ (سبق في تجريد القدوري) .

١ ــ تكملة الفوائد شرح الهداية (تاج التراجم : ٢٤٩) .

٢ ــ الغاية على حاشية الهداية خ المدينة المنورة (بروكلمان ٣ :٦٨٤) .

أكمل الدين محمد بن محمود بن كمال الدين البابرتي المصري المتوفى سنة ٧٨٦هـ (سبق في السراجية وغيرها) .

ــ العناية شرح الهداية
(هدية العارفين ٢ :١٧١) أوله : الحمد لله الذي هدانا في البداية معرفة الهداية الخ قال في الكشف : وهو شرح جليل معتبر في البلاد الرومية ، خ الأزهرية (٣٠٧) ٤٢٨٥ وبرلين ٤٩٣ والمكتب الهندي أول ٢١٩ وباريس ٧٤٦ وبريل ٤٤٠ وبطرسبورغ ٤٨٣ والموصل ٩٠ وأوقاف بغداد ٣٦٨٥ وثمان نسخ بنفس المكتبة والظاهرية ٢٦٢٥ . طبع بهامش شرح فتح القدير بكلكتا سنة ١٢٣٨هـ .

عليه من الحواشي :

سعد الله بن عيسى بن أمير خان القسطموني الرومي بسعدى جلبي المتوفى سنة ٩٤٥هـ (سبق في أنوار التنزيل) .

● حاشية على شرح الهداية
(هدية العارفين ١ :٣٨٦) أولها : الحمد لمن لا غاية لعنايته الأزلية ولا نهاية لهدايته العلية الخ خ الأزهرية (١٦١٢) حليم ٣٣١٥٠ وأوقاف بغداد (٣٦٣٠) رقم ٣٥٣٦ والمتحف البريطاني ثان ٢٧٩ والسليمانية ٤٣٤ وسليم آغا ٣١١ وقليج علي ٣٦١ ودامــاد زاده ٧٩١ وبرلين ٤٤٩٤ . (بروكلمان ٣ :٦٨٥) طبع مع شرح ابن الهمام .

مصطفى شعبان سروري المتوفى سنة ٩٦٩هـ (سبق) .

● حاشية على الهداية والعناية
خ إسماعيل السلطان (استانبول) ١٢٨ ومراد ملا ٨١٢ (الفهرس الشامل (فقه) ٣ :٧١) .

مصطفى بن محيي الدين بن المعمار المتوفى سنة ٩٧١هـ (سبق في التلويح) .

● تعليقة على شرح الهداية .

عبد الرحمن بن سيدي علي الأماسي المعروف بقره ملا المتوفى سنة ٩٨٣هـ (سبق في القاموس) .

١ ــ حاشية على العناية (هدية العارفين ١ :٥٤٧) .

٢ ــ تتمة حاشية سعد الله بن عيسى جلبي (السابقة) ح برلين ٤٤٩٤ والسليمانية ٤٣٤ وسليم آغا ٣١١ (بروكلمان ٣ :٦٨٥) .

سرى الدين محمد بن إبراهيم الدروري المصري المتوفى سنة ١٠٦٦هـ (سبق في نخبة الفكر) .

● حاشية على شرح الهداية للبابرتي
فرغ من تأليفها سنة ١٠٧٠هـ (؟) خ الأزهرية ٢٢٧٢ (حليم) ٣٣١٥٣ ويني

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الأسلامي و بيان شروحه), الجزء الثالث, 1425/2004 ابو ظبي , ص. İSAM 130566.

- Mutarrizi'de
- Kazvini el Hatib s 1724, ?
- Molla Fenari s 1724, 1725
- Kifti Hibbetullah b. Abdullah s 1724
- Teftazani 1724
- Şehabeddin Sivasi 1725
- Cami Abdurrahman 1726
- İbnü'l-Hanbeli Radiyyuddin 1726
- Sürüri Muslihuddin Must 1726
- Abdülgani Nablusi 1727

23 NİSAN 2005

المصباح = مصباح العلوم

المصباح في النحو

مقدمة المطرزي

لأبي الفتح ناصر بن عبد السيد بن علي المطرزي الخوارزمي المتوفى سنة ٦١٠هـ .
(معجم الأدباء ١٩ :٢١٢ ، وفيات الأعيان ٢ :١٩٩ ، مرآة الجنان ٤ :٢٠ ، بغية الوعاة :٤٠٢ ، كحالة ١٣ :٧١) أوله : الحمد لله ذي الأنعام الخ ألفه لابنه ورتبه على خمسة أبواب (كشف الظنون :١٧٠٨) خ الأزهرية (١١١) ١١٠٥ وثمان نسخ أخرى بنفس المكتبة ودار الكتب المصرية ٣٢٦ وأربع عشرة نسخة بالمكتبة المذكورة وغيرها طبع بلكنو سنة ١٢٦١هـ ومصر مكتبة الشباب ١٣٩٠هـ وبآخر كتاب أساس البلاغة للزمخشري .

***

أبو مروان عبيد الله بن عمرو بن هشام الحضرمي الأشبيلي الأندلسي المتوفى سنة ٥٥٠هـ (بغية الوعاة : ٣٢٠ ، غاية النهاية ٧ :٤٩٠ ، هدية العارفين ١ :٤٤٩) .

ـ الإفصاح في اختصار المصباح
أوله : الحمد لله الذي رفع السماء بغير عماد الخ قال في الأعلام ٤ :١٩٦ أما كتابة الإفصاح ففي كشف الظنون : ١٧٠٩ : إنه اختصر به كتاب المصباح في النحو للمطرزي وهذا باطل لأن الحضرمي توفي بعد ولادة المطرزي باثني عشر عاماًهـ خ الأحمدية بتونس ٦٧٧٠ .

نجم الدين يحيى بن محمد بن عبد الله بن اللبودي المتوفى سنة ٦٦٦هـ (سبق) .

ـ شرح المقدمة للمطرزي في النحو
(هدية العارفين ٢ :٥٢٤) .

تاج الدين محمد بن محمد بن أحمد الأسفرايني المتوفى سنة ٦٨٤هـ (سبق في لباب الإعراب) .

١ ـ المفتاح شرح المصباح.

٢ ـ ضوء المصباح في شرح المصباح
خ أزهرية (١١٢) ١١٧ وسبع نسخ أخرى بنفس المكتبة والظاهرية ١٠٨٨ وست نسخ أخرى بالمكتبة المذكورة ودار الكتب المصرية ١٨٤ ونسخ أخرى بالمكتبة المذكورة وجامعة محمد بن سعود ٢٩٣٣ وتسع نسخ بالمكتبة السابق ذكرها . طبع بحيدر اباد ولكنو سنة ١٢٦٧هـ

وعليه عدة حواش:

رضي الدين الخوارزمي . .

● درء النوء في خطبة الضوء
خ دار الكتب المصرية ٩١م و٤٨٢٩هـ وكوبريلي ٥٩٠ والمتحف البريطاني ١٠٠٠ .

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الأسلامي و بيان شروحه), الجزء الثالث, 1425/2004 ابو ظبي , ص. 1723-27 İSAM 130566.

ـ شرح المصباح
ألفه سنة ٨٦٦هـ خ بريل أول ١٩٣ وثان ٣٨٣ وجاريت ٣٥١ (بروكلمان ٣ :٢٤٨) .

علاء الدين علي بن محمد بن مسعود البسطامي المعروف بمصنفك المتوفى سنة ٨٧٥هـ (سبق) .

ـ شرح المصباح
(هدية العارفين ١ :٧٣٥) .

سعد الدين بن القاضي الخيرآبادي الهندي المتوفى سنة ٨٨٢هـ (هدية العارفين ١ :٣٨٦) .

ـ شرح المصباح
خ بنكبور ٩ـ٧٣٨ (بروكلمان ٣ :٢٤٨) .

عبد الرحمن الجامي المتوفى سنة ٨٩٨هـ (سبق) .

ـ تعليقات على المصباح
خ الجزائر ٤٥ (بروكلمان ٣ :٢٤٧) .

حاجي بابا إبراهيم بن عبد الكريم بن عثمان الطوسي (القرن السابع) (كحالة ١ :٥٠) .

ـ خلاصة الإعراب شرح لباب المصباح للمطرزي
أوله : الحمد لله ولي الانعام الخ خ دار الكتب المصرية ٢٣٧ و٣٠م والظاهرية ٧١٧٦ عام والأحمدية بتونس ٤٢٤٩ والسليمانية بالعراق ٣٦ـ١٢ والجامعة الأمريكية ٥٨٤ .

يعقوب بن سيد علي الميموني الرومي المتوفى سنة ٩٣١هـ (هدية العارفين ٢ :٥٤٧ ، الأعلام ٨ :٢٠١) .

ـ شرح على أوائل ديباجة المصباح
أوله : الحمد لله الذي لا يبلغ كنهه جاد الخ خ دار الكتب المصرية ١٣٤ وأخرى بنفس المكتبة برقم ٣٢٨ وثالثة برقم ٣٤١ وخمس نسخ أخرى بنفس المكتبة وأوقاف الموصل ٣ـ١٦ وكوبريلي ٥٩١ .

وعليه عدة حواش:

محمد بن إبراهيم الحنبلي التاذفي الحلبي المتوفى سنة ٩٧١هـ (سبق) .

● النقد الجلي على شرح ابن سيد علي
(كشف الظنون : ١٧٠٩) .

أحمد بن عمار العيتابي الحنفي . . .

● الحميدية تعليق على ديباجة المصباح
أوله : الحمد لمن جعل النحو نوراً لثمار حديقة الكلام الخ خ دار الكتب المصرية ٤٩١ مجاميع والبلدية ١٤ نحو وليدن أول : ٤٢٣ (بروكلمان : ٢٤٧) .

يحيى بن ناصح بن إسرائيل المتوفى سنة ٩٥٠هـ (بروكلمان ٣ :٢٤٦) (كذا)ولعله اختلط عليه بعبد المجيد بن نصوح بن إسرائيل المتوفى سنة ٩٦٠هـ (هدية العارفين ١ :٦٢٠) .

ـ شرح المصباح
خ جوتا ٢٠٦ وبطرسبورغ ثالث أول ١٧٧ .

مصطفى بن شعبان الكليبولي الرومي المعروف بسروري المتوفى سنة ٩٦٢هـ (سبق في البخاري وغيره) .

ـ شرح المصباح
أوله : الحمد لله الذي جعل القائمين بأمره

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الأسلامي و بيان شروحه), الجزء الثالث, 1425/2004 ابو ظبي , ص. İSAM 130566.

مرفوعي الدرجات الخ خ دار الكتب المصرية ١٣٥ وأخرى برقم ٣٣٣ وثالثة برقم ١٠٢٠ ورابعة بالأحمدية بتونس ٤١٤١ .

مجهول . . .

ـ الإفصاح عن أنوار المصباح
أوله : الحمد لله الذي جعل لكل مساء صباحاً وجعل الشمس ضياء ومصباحاً الخ ألفه لولديه خ سنة ١٠٩٠ بالظاهرية ٨٠٤٣ عام والفاتيكان ثالث ٥٥٨٧ وليدن ١٧٦ .

مجهول . . .

ـ خزانة اللطائف
أوله : الحمد لله المحمود الخ (كشف الظنون : ١٧٠٩) خ المتحف البريطاني ١٩٨ (بروكلمان ٣ :٢٤٧) .

مجهول . . .

مشكاة المصباح
أوله : الحمد لله الذي يوحد بالكلمات المعجزة الخ خ دار الكتب المصرية ١٢١٩ .

مجهول . . .

مشكاة المصباح عن الضوء والافتتاح
أوله : الحمد لله الذي نور قلوبنا بمصباح العلم والحكم الخ خ برلين ٦٥٤٠ .

عبد الغني بن إسماعيل النابلسي المتوفى سنة ١١٤٣هـ (سبق) .

ـ طلوع الصباح على خطبة المصباح
خ مركز الملك فيصل ٢٨٧ .

يوسف بن مولود . . .

ـ حواش على المصباح
ح الظاهرية ١٠٨٧٥ عام .

محمد ركن الأشواني (بروكلمان ٣ :٢٤٤) .

ـ تعليق على خطبة المصباح
خ جوتا ٢٤٧ .
ونظم المصباح :

محمود بن عبد الرحيم الأدلبي الرافعي القادري المتوفى بعد سنة ١١١٥هـ .

O بهجة الملتاح في نظم مسائل المصباح
أوله :
يقول محمود الضعيف المفتقر
لعفو مولاه الغني المقتدر
الخ .

ـ كشاف الوشاح نحو خفايا بهجة الملتاح شرح منظومته
خ سنة ١١١٥هـ بخط المؤلف دار الكتب المصرية ١٥٥٤ .

أحمد الصوفي . . .

O نظم العوامل من المصباح
خ جوتا ٢١٥ وكلكتا ١٠٣٩ (بروكلمان ٣ :٢٤٩) .

مجهول . . .

O الغرر نظم المصباح
خ أسكوريال ٢٦١ (بروكلمان ٣ :٢٤٩) .

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الأسلامي و بيان شروحه), الجزء الثالث, 1425/2004 ابو ظبي , ص. İSAM 130566.

- Marginani
- el-Hidaye
- Harisi Mahmud b. Ubb. 2063
- ibn Teymiye Mecdüddin 2063
- Taci'ş-Şeria 2063
- Habbazi 2063
- Nesefi Ebu'l-Berekat 2064
- ibnu'd-Deyri 2064
- Siğnaki 2064
- Abdulaziz el-Buhari 2065
- ibn Abdilhak el-Vasiti 2065
- ibnu't-Türkmani Taceddin 2065
- Qarpardi 2065
- ibn Melekan 2065
- Kaki 2065
- ibnu't-Türkmani Alaeddin 2065
- Tarsusi Necmeddin 2066
- Akmani 2066
- Gaznevi Ömer b. İshak 2066
- Kureşi 2066
- Konevi Cemaleddin 2066-67
- Babarti 2067

Sadi Çelebi 2067
Sururi Muslihuddin Mustafa 2067
Cürcani Seyyid Şerif 2068
Karişli Hoca 2068
Kara Yakub 2068
Ayni Bedreddin 2069
İbnu'l-Hümam 2069
Sindi Muh. b. Abdilhadi 2069
Halebi İbr. b. Muh. 2069
Musannifek 2069-70
İbnu'ş-Şihne Ebu'l-Fazl 2070
Sururi Muslihuddin Mustafa 2070
Dinar Paşa 2070
Ahizade Yusuf Efendi 2070
Hamidüddin Efendi Efdaluddin 2070
Fenarizade Muh. Mehmed Şah 2071
Zenbilli Ali Ef. 2071
Kemalpaşazade 2071
İsferayini İsameddin 2071
Şeyhzade Muhyiddin Mehmed 2072

- İbn Tolun Şemseddin 2072
- Taşköprüzade Ahmed Ef. 2072
- İbn Nüceym Zeynüddin 2072
- Kınalızade Ali Ef. 2073
- Birgi 2073
- Ebussuud Efendi 2073
- Sinan Efendi 2073
- Kadızade Ahmed Şemseddin 2073
- Ali Çelebi Hınnavi 2074
- Bayramzade Zekeriya Ef. 2075
- Alizade Abdülhalim Ef. 2075
- Ali el-Kari 2075
- Taşköprüzade Kemaleddin Mehmed 2076
- Siğnakti 2077
- Mustafa Ef. Kınalızade 2077
- Hamevi Ahmed b. Muh. 2077
- Nablusi Abdulgani 2077
- La'lizade Abdulbaki 2077
Lekneví 2078
- İbnu't-Türkmani Alaeddin 2078
Zeylai Abdullah b. Yusuf 2078
- Kureşi 2079
- ibn Hacer el Askalani 2079
- ibn Kutluboğa 2079
-

الهداية

لشيخ الإسلام برهان الدين أبي الحسن علي بن أبي بكر بن عبد الجليل الفرغاني المرغيناني المتوفى سنة ٥٩٣هـ .

(الجواهر المضية :٢٨٣ الفوائد البهية : ١٤١ ، الأعلام ٤ :٢٦٦) أوله : الحمد لله الذي أعلى معالم الدين وأعلامه الخ قال في الكشف : وهو شرح على متن له يسمى بداية المبتدي ألفه في مدة قدرها ثلاث عشرة سنة وكان صائماً في تلك المدة لا يفطر أصلاً وكان يجتهد أن لا يعلم بصيامه أحد فكان ببركة زهده وورعه انتشر كتابه وأصبح مقبولاً بين العلماء الخ (كشف الظنون : ٢٠٣١) خ برلين ٤٤٨٨ وباريس ٨٤٢ والمتحف البريطاني ١٩٦ وبرنستون ٢٣٦ ونسخ أخرى (بروكلمان ٣ :٦٨٢) طبع في بومباي ١٢٧٩ ولكنو سنة ١٣٠٤هـ وسنة ١٣٠٦هـ ومصر سنة ١٢٨٢هـ ومطبعة الحلبي سنة ١٣٥٥هـ وغيرها .

***

23 NISAN 2005

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الأ سلامي و بيان شروحه), الجزء الثالث, 1425/2004 ابو ظبي , ص 2062-2079. İSAM 130566.

(سبق) .

ـ شرح الهداية

(هدية العارفين ١ :٧٣٥) أوله : الحمد لله الذي نور معالم الشرع بأنوار الكتاب الخ قال في الكشف : وهو شرح مختصر أطال في الديباجة وأوجز في المقاصد (كشف الظنون : ٢٠٣٦) .

أبو الفيض محمد بن محمد بن الشحنة المتوفى سنة ٨٩٠هـ (سبق في منظومة ابن الشحنة) .

ـ نهاية النهاية شرح الهداية

(الأعلام ٧ :٤٤) وصل فيه إلى باب الغسل في خمسة مجلدات (كشف الظنون : ٢٠٣٦) خ يني جامع ٥١٠ ودار الكتب المصرية ٥٥٢ والأحمدية بحلب ٤٥٦ .

وعليه حاشية :

مصلح الدين مصطفى بن شعبان الكليبولي الرومي المعروف بسروري المتوفى سنة ٩٦٩هـ (سبق في أنوار التنزيل) .

● حاشية على شرح ابن الشحنة

خ داماد زاده ٨١٢ .

يوسف سنان باشا بن خضريك المتوفى سنة ٨٩١هـ (سبق في ملخص الجغميني) .

ـ شرح الهداية وصل فيه إلى باب الطهارة

(كشف الظنون : ٢٠٣٨) خ جوتا ١٠٠٠ وبلدية الاسكندرية ٢١ حنفي (بروكلمان ٣ :٦٨٧) .

محمود بن محمد الدهلوي المتوفى ٨٩١هـ (الفهرس الشامل (فقه) ٥ : ٦٢٨) .

ـ شرح الهداية خ راغب باشا ٥٤٨)

سنان الدين يوسف بن بالي بن محمد يكان البرسوي المعروف بابن يكان المتوفى سنة ٨٩٥هـ (هدية العارفين ٢ :٥٦٣) .

ـ شرح الهداية .

يوسف بن جنيد التوقاتي المعروف بأخي جلبي المتوفى سنة ٩٠٢هـ (هدية العارفين ٢ :٥٦٣) .

ـ حاشية على شرح الهداية

(وفي الهدية حاشية على شرح الوقاية فلعله شرح آخر) خ نور عثمانية ١٤٦٧ وثلاث نسخ أخرى (الفهرس الشامل ٣ :٥٥٧) .

يوسف بن الحسين الكرماستي الرومي الأستانبولي المتوفى سنة ٩٠٦هـ (سبق في التلخيص) .

ـ شرح الهداية

(هدية العارفين ٢ :٥٦٣) .

حميد الدين بن أفضل الدين المتوفى سنة ٩٠٨هـ (سبق في طوالع الأنوار) .

ـ نكات أحقر الورى

أوله : الحمد لله الذي زين سماء العلم بنجوم العلماء الخ ألفه للسلطان محمد الفاتح (كشف الظنون : ٢٠٣٨ ، والفوائد البهية : ٦٩) .

عبد الغفور . . .

ـ حاشية على شرح الهداية

خ الآصفية ٣٠٩ (بروكلمان ٣ :٦٨٩) .

سيف الدين أحمد بن يحيى بن محمد حفيد

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الأ سلامي و بيان شروحه), الجزء الثالث, 1425/2004 ابو ظبي , ص. İSAM 130566.

التفتازاني المتوفى سنة ٩١٦هـ (سبق في عدة مواضع) .

ـ تعليقة على أوائل الهداية

(هدية العارفين ١ :١٣٨) .

محمد بن مبارك شاه الملقب بمعين الهروي المتوفى سنة ٩٢٨هـ (سبق في حكمة العين) .

ـ الدراري شرح الهداية

(كشف الظنون : ٢٠٣٨) .

محمد بن علاء الدين يوسف الفناري المتوفى سنة ٩٢٩هـ (سبق في السراجية وغيرها) .

ـ حاشية على شرح ملا زاده

(هدية العارفين ٢ :٢٤٣) .

علي زاده يعقوب بير علي البروسوي الرومي المتوفى سنة ٩٣١هـ (سبق في السراجية) .

ـ شرح الهداية

خ داماد ٨١٣ .

علاء الدين علي بن أحمد بن محمد الجمالي المعروف بالزنبيلي الرومي المتوفى سنة ٩٣٢هـ (هدية العارفين ١ :٧٤٢) .

١ ـ مختار الهداية .

٢ ـ شرح مختار الهداية خ (الأعلام ٤ :٢٥٨) .

نور الدين يوسف بن عبد الله القره سي الباليكسري المعروف بصاري كرز المتوفى سنة ٩٣٤هـ (سبق في مفتاح العلوم) .

ـ تعليقات على الهداية

(هدية العارفين ٢ :٥٦٥) .

عبد الله بن حسين بن أبي بكر النزيلي اليمني المتوفى بعد سنة ٩٣٩هـ .

ـ تنبيه اللبيب في شرح ما تضمنه كتاب الهداية من الغريب

(كذا في بروكلمان والمعروف أن المؤلف شافعي وليس من الحنفية فلعله اختلط عليه بكتاب آخر له نفس الاسم والله أعلم) خ بوهار ٣ :٦٨٨ (بروكلمان ٣ :٦٨٨) .

أحمد بن سليمان المعروف بابن كمال باشا المتوفى سنة ٩٤٠هـ (سبق) .

ـ شرح الهداية

(هدية العارفين ١ :١٤١) خ دار الكتب المصرية ١٠٣٧ وأخرى برقم ١٠٣٨ والبلدية ٣٦٥٣ج والظاهرية ٧٦٧٣ وأخرى برقم ٥٣٣٧ وبرلين ٤٤٩٧ ونسخ أخرى .

عليه حاشية :

عبد الرحمن السعدي .

● ترغيب اللبيب

أولها : الحمد لله الذي هدانا بهدايته في بدايتنا الخ ألفها للسلطان سليم الثاني (كشف الظنون : ٢٠٣٩) خ عموجه حسن باشا باستانبول ١٨٣ وفاتح ١٦٦ وثلاث نسخ بنفس المكتبة (الفهرس الشامل (فقه) ٣ :٧٨) .

عصام الدين إبراهيم بن محمد عربشاه الأسفراييني المتوفى سنة ٩٤٤هـ (سبق) .

ـ حاشية عصام على الهداية

خ الآصفية ٢ـ١٠٨٢ وعموجه حسن باشا

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الأ سلامي و بيان شروحه), الجزء الثالث, 1425/2004 ابو ظبي , ص. İSAM 130566.

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الأ سلامي و بيان شروحه), الجزء الثاني, 1425/2004 ابو ظبي , ص. 9/5 İSAM 130565.

- Hâfız-ı Şirazi
- Sürûri Muslihuddin Must

ديوان حافظ

(شمس الدين محمد الشيرازي المتوفى سنة ٧٩١هـ) .

***

مصطفى بن شعبان المعروف بسروري المتوفى ٩٦٩هـ (كشف الظنون :٧٨٣)

ـ شرح ديوان حافظ .

المولى شمعى المتوفى نحو سنة ١٠٠٠ (كشف الظنون :٧٨٣)

ـ شرح ديوان حافظ

المولى دودي البسنوي المتوفى نحو سنة ١٠٢١هـ (كشف الظنون :٧٨٣)

ـ شرح ديوان حافظ

حسين بن رستم الكفوي الرومي الحنفي . تولى قضاء مكة المكرمة وتوفى سنة ١٠١٠هـ (هدية العارفين ١ :٣٢١) .

ـ شرح ديوان حافظ.

Çalışmamız neticesinde kamu çalışanlarından en üst düzeyde verim alınabilmesi için;

- Çalışma şartları iyileştirilmeli,
- Çalışanların öğrenim seviyelerini yükseltebilmeleri için fırsatlar sunulmalı,
- Performans değerlendirme süreçleri oluşturularak verimli personele objektif terfi imkanları tanınmalıdır.

Son olarak araştırmacılara kamu kuruluşlarının ürettiği hizmetlerin verimi, kalitesi, hızı ve sunulmasına ilişkin farklı değişkenlerin etkisi' nin araştırılması önerilmektedir.

Kaynaklar

1. Akat, İ., (1984). *İşletme Yönetimi*, Üçel Yayıncılık, İzmir.
2. Aktan,C.C., (1992).*Politik Yozlaşma ve Kleptokrasi*, Afa Yayıncılık, İstanbul
3. Efil, İ., (1993). *İşletmelerde Yönetim ve Organizasyon*, Uludağ Üniversitesi Basımevi, Bursa
4. Fişek, K., (1972). "Yönetim ve Mizah" *TODAİE Dergisi*, Ankara
5. Karasar, N., (1991).*Bilimsel Araştırma Yöntemi*, Sanem Yayınları. Ankara
6. Sennett, R., (1996). *Kamusal İnsanın Çöküşü.* (Çeviren:S.Durak A.Yıldız.),Ayrıntı Yay.İstanbul
7. Özgüven, B.M., (1996). "Çağdaş Kamu Yönetimi" *Basılmamış ders notları*, Bursa.
8. Tak, B., (2002). "Kamu Kuruluşlarında Müşteri odaklı Yönetim Anlayışına Geçiş Aracı Olarak Vatandaş Tatmin Araştırmaları ve Bursa Halkına Yönelik Görgül Bir Çalışma" *Uludağ Üniv. İİBF Dergisi* 21(2) 143-159
9. TÜSİAT (1992). "Yerel Yönetimler Sorunlar ve Çözümler", İstanbul Yıldırım,S., (1993)."*Yerel Yönetimler ve Demokrasi*"*İULA-EMME*, İstanbul .
10. İnternet (2004) *http://diyarbakir.meb.gov.tr/memuniyet1htm.* adresinden 20 Mayıs 2004 tarihinde alınmıştır.

D2312

10 AĞU 2007

Ekim 2005 Cilt:13 No:2 Kastamonu Eğitim Dergisi 623-632

XVI. YÜZYIL ŞERH EDEBİYATI İÇİNDE ŞERH-İ ŞEBİSTÂN-I HAYÂL'İN ÖNEMİ

Bilal ELBİR

Celal Bayar Üniversitesi, Eğitim Fakültesi, Türkçe Öğretmenliği Bölümü, Manisa.

Özet

XVI. yüzyıl şerh açısından zengin bir yüzyıldır.Şerh-i Şebistân-ı Hayâl sembolik nitelikte bir eserdir. Şerh, sekiz bölümden meydana gelmiştir. Her bölüm kendi içerisinde alt başlıklara ayrılmıştır. Dinî özellikli bazı kelime ve kavramlar şârihin birikimlerine göre çözümlenmiştir. Sembolik bir anlatım diline sahip olan eserin anlaşılması kolay değildir. Şerhler bir eserin daha iyi anlaşılması amacıyla yazılırlar. Şerhlerin eserin anlaşılmasına katkısı olduğu gibi, yaşanılan devrin kültürünün anlaşılmasına da katkısı vardır.

Anahtar Kelimeler: Metin Şerhi, XVI. yüzyıl Türk edebiyatı, Sürûrî'nin edebî kişiliği, Türk edebiyatı ve Fars edebiyatı ilişkisi, Şerh-i Şebistân-ı Hayâl

THE IMPORTANCE OF "ŞERH-İ ŞEBİSTÂN-I HAYÂL" IN THE SIXTEENTH CENTURY LITERATURE OF SHARH.

Abstract

There are many sharh works in the sixteenth century. Şerh-i Şebistân-ı Hayâl is a sembolic boook, which is divided into eight chapters and subchapters. It contains religious words and concepts. It's not easy to understand this work because of its symbolic quality. The sharhs are the ones which aims to make a book more understandable. The sharh also reflects the cultural properities of decade.

Keywords: Text sharh, Turkish literary in the sixteenth century, Sürûrî's literary character, The relationships of Turkish literature and Persian literature, Şerh-i Şebistân-ı Hayâl

I. XVI. Yüzyıl'da Şerh Edebiyatı:

XVI. yüzyıl, Osmanlı'nın siyasî anlamda birliğini sağladığı ve otoritesini kurmuş padişahlar sayesinde büyüme sürecini hızlandırdığı bir yüzyıldır. Bu yüzyılın padişahları sırasıyla şu şekildedir: Sultan II. Beyazıt (1481-1512), Yavuz Sultan Selim (1512-1520), Kânûnî Sultan Süleyman (1520-1566), Sultan II. Selim (1566-1574), Sultan III. Murat (1574-1595) ve Sultan III.Mehmet (1595-1603). Bu yüzyılda Osmanlı devleti, sınırları genişleyerek bir cihan devleti hâline gelmiştir.

Osmanlı devletinin siyâsî gelişimine paralel olarak bilim, kültür, sanat ve edebiyatta da gelişmeler görülmektedir. Başta padişahlar olmak üzere devlet adamları tarafından şiir ve edebiyat desteklenmiş ve sanatçılara değer verilmiştir. Bu yüzyılda edebiyat ve sanat faaliyetleri sadece payitaht olan İstanbul'da yoğunlaşmamış, şehzâdelerin sancak görevi yapmış oldukları sancak merkezlerinde de edebiyat ve kültür ortamları meydana getirilmiştir. Anadolu'da başta Manisa ve Kütahya olmak üzere, Konya, Amasya,

__________; *Osmanlı Kanunnâmeleri ve Hukukî Tahlilleri*, 5. Kitap, Kanunî Devri Kanunnâmeleri, II. Kısım, Eyalet Kanunnâmeleri (I), İstanbul, 1992.

Kodaman, Bayram; "Osmanlı Devrinde Doğu Anadolu'nun İdârî Durumu", *Ondokuzmayıs Üniversitesi Eğitim Fakültesi Dergisi*, sayı 1, Samsun, 1986, s. 3-20.

__________; *18. Yüzyılın İlk Yarısında Osmanlı Devleti'nin İdarî Taksimatı-Eyalet ve Sancak Tevcihatı*, Elazığ, 1997, s. 6-9;

__________; *XVI. ve XVII. Yüzyıllarda Van*, Van, 1997.

__________; "Yurtluk-Ocaklık Deyimleri Hakkında", *Prof.Dr. Bekir Kütükoğlu'na Armağan*, İstanbul, 1991, s. 13-27.

__________; "XVI. Yüzyılda Güney-doğu Anadolu'nun Ekonomik Durumu, Kanuni Süleyman ve II. Selim Devirleri", *Türkiye İktisat Tarihi Semineri, Metinler/Tartışmalar*, Ankara, 1975, s. 71-98.

__________; "XVI. Yüzyılda Palu Hükümeti", *Ondokuzmayıs Üniversitesi Eğitim Fakültesi Dergisi*, sayı 7, Samsun, (Aralık 1992), s. 241-265.

Barkan, Ömer Lütfi; "Timar", *İslâm Ansiklopedisi*, c. XII/1 İstanbul, 1979.

Başar, Fahameddin; *Osmanlı Eyâlet Tevcihatı (1717-1730)*, Ankara, 1997.

Baykara, Tuncer; *Anadolu'nun Tarihî Coğrafyasına Giriş I*, Ankara, 1988, s. 30 ;

Göyünç, Nejat; "XVI. Yüzyılda Doğu ve Güney-Doğu Anadolu'da Yönetim ve Nüfus", *Türk Kültürü*, S. 370, (Şubat 1994), s. 77-86.

Kılıç, Orhan; "Yurtluk-Ocaklık ve Hükümet Sancakları Üzerine Bazı Tespitler, *OTAM*, S.10, Ankara, 1999, s. 119-137.

Kunt, Metin; *Sancaktan Eyalete, 1550-1650 Arasında Osmanlı Ümerası ve İl İdaresi*, İstanbul, 1978.

Sahillioğlu, Halil; "Osmanlı Döneminde Irak'ın İdarî Taksimatı", (Arapçadan Çeviren: Mustafa Öztürk), *Belleten*, c. LIV, sayı 211, Aralık 1990, Ankara, 1991.

Şahin, İlhan; "Timâr Sistemi Hakkında Bir Risâle", *İ.Ü.E.F.T.D.*, S. 32, İstanbul 1979.

Turan, Şerafettin; "XVII. Yüzyılda Osmanlı İmparatorluğu'nun İdarî Taksimatı (H. 1041/M. 1631-1632 tarihli bir İdârî Taksimat Defteri)", *Atatürk Üniversitesi 1961 Yıllığı*, Ankara, 1963.

Ünal, Mehmet Ali; "XVI. ve XVII. Yüzyıllarda Diyarbekir Eyaletine Tabi Sancakların İdari Statüleri", *Ziya Gökalp Dergisi*, S. 44, Aralık, 1986.

Yücel, Yaşar; "Osmanlı İmparatorluğunda Desantralizasyona (Adem-i Merkeziyet) Dair Gözlemler", *Belleten*, XXVIII/152, (1974), s. 657-708.

896

05 MART 2003

GELİBOLULU MUSLUHİDDİN SÜRÛRÎ, HAYATI, KİŞİLİĞİ, ESERLERİ VE *BAHRÜ'L-MA'ÂRİF* İSİMLİ ESERİ

İsmail GÜLEÇ

Ailesi

XVI. Asrın tanınmış hadis, tefsir ve belâgat âlim ve ediplerinden biri olan Sürûrî[1] 897/1491 yılında Gelibolu'da dünyaya gelmiştir[2]. Kaynaklarda adı Sürûrî Muslihü'd-dîn Mustafâ b. Şa'bân el-Gelibovî er-Rûmî şeklinde geçmektedir. Adı Mustafâ, adının lakabı Muslihü'd-dîn, baba adı Şa'bân, nisbeti el-Gelibovî ve Rûmî, mahlası da Sürûrî'dir. Zengin bir babanın çocuğu olarak müreffeh bir şekilde tahsilini tamamlamasından dolayı bu mahlas kendisine verilmiş olabileceği gibi tezkirecilik ve şehzade hocalığından sonra makûs giden talihini çevirmesi için de almış olabilir. Birinci ihtimalin daha kuvvetli olduğunu

Didiler te'sîri var ismin müsemmâda velî
Ey Sürûrî görmedüm âlemde handân oldugın"[3]

beytinden anlıyoruz. Anadolu'da doğmuş ve yetişmiş olması ona diğer bir çok alim ve şair gibi Rûmî mahlasının da verilmesini sağlamıştır.[4]

1 Kastamonulu Latifî, *Tezkire-i Latifi*, İstanbul, 1314. s.186.

2 Faik Reşat, *Eslâf*, İst., 1312, s. 26

3 Beyâni *Tezkire*, İ.Ü. Ty.2568, 40b., Bursalı Mehmet Tâhir, *Osmanlı Müellifleri*, İst., 1333, c.2, s. 226

4 Bağdatlı İsmail Paşa, *Hediyyetü'l-Arifîn Esmâü'l-Müellifîn ve Asâru'l-Musannifîn*, İst., 1955. c.2. s.434.

OSMANLI ARAŞTIRMALARI, XXI (2001). İstanbul.

s.211-236

Sürûri, Muslihuddin Mustafa (18150)

SURŪRĪ'NİN AḤKĀM-I NÜCŪM İSİMLİ BİR ESERİ VAR MI?

Hakan YAMAN

ÖZET

Kanunî döneminin önemli bilim adamlarından Gelibolulu Surūrī yaptığı şerhler ve tercümelerle ün kazanmıştır. Onu meşhur eden Mesnevî ve Şebistān-ı Hayāl şerhlerinin yanında Arapça ve Farsça yazdığı eserler ve bu dillerden Türkçeye aktardığı kitaplar da bulunmaktadır. Eserlerinin sayısını kesin olarak bilmemekle birlikte, telif ve tercüme otuz civarında eseri olduğunu tahmin ediyoruz. Surūrī'nin çevrilerinden birisi de Ḳazvīnī'nin ünlü Kitābü'l-'acā'ib ve'l-Ġarā'ib isimli kozmografya eseridir. Ancak çeşitli kaynaklar Surūrī'nin ilm-i nücuma dair bir eser kaleme aldığından söz eder. Eldeki kaynaklar ışığında Surūrī'nin böyle bir eseri olup olmadığını ortaya çıkarmaya çalışacağız.

Anahtar kelimeler: Sururi, Ahkam-ı Nücum, Kazvini, Kitabul acayib

DOES SURŪRĪ HAVE A BOOK CALLED "AḤKĀM-I NÜCŪM"?

ABSTRACT

One of the famous scientists of the Kanuni period, Gelibolulu Sururi, gained his reputation by his commentary-books and his translations. His commentaries to "Mesnevi" and "Şebistan-i Hayal" which made him famous, his books in Arabic and Farsi and his translations from these languages can be mentioned as major parts of his work. Although it is not exactly known how many books he published, total number of his books are assumed to be around 30 including his translations and compilations. One of his translations was famous cosmology book of the time "Kitabü'l-aca'ib ve'l-Gara'ib" by Kazvini. Although most of the sources about "Sururi" claim him to author a book about "ilm-i nücum" (science of stars), the mentioned book is unfortunately not available in any library. In this article we will try to verify whether Sururi really authored an astrology book, making use of dependable sources available.

Key words: Sururi, Ahkam-ı Nücum, Kazvini, Kitabul acayib

Giriş

Gelibolulu Muṣliḥeddin Muṣṭāfā Surūrī yaptığı şerhler, tercümeler ve kaleme aldığı diğer eserleriyle on altıncı yüzyılın önde gelen şahsiyetlerinden biridir. Birbirinden çok farklı konularda eser veren Surūrī'nin eser sayısı tartışmalıdır. Çeşitli kaynaklarda yaşının yarısı kadar eser verdiği belirtilse de, yetmiş iki yaşında ölen şairin tam otuz altı eseri olduğu bilgisi doğru değildir. Surūrī naiblikten müderrisliğe değişik devlet kademelerinde görev yapmış, döneminin

03262

önemli bilim adamlarından biridir. Onun bilim adamı kimliği dışında bir de derviş kimliği bulunmaktadır. Surūrī'nin bu iki karakterinden biri hayatının bazı dönemlerinde daha ön plânda olmuştur. Surūrī kimi zaman bir derviş gibi inzivaya çekilmiş, kimi zaman ise bilim adamı kimliğiyle medreselerde müderrislik görevlerinde bulunmuştur. Surūrī'nin hayatının önemli evrelerinden biri de Kanunî tarafından Şehzade Mustafa'nın hocalığına atanmasıyla başlamıştır. Surūrī'nin bu dönemi oldukça verimli geçmiş, pek çok eser meydana getirmiştir. Bu dönemde yazdığı çok sayıdaki eserlerinden biri de Tire Necip Paşa Kütüphanesindeki Aḥkām-ı Nücūm adıyla kayıtlı olan kitabıdır. Aḥkām-ı Nücūm, konusu bakımından oldukça dikkat çekici bir eser olması nedeniyle inceleme konumuz olmuştur. Ancak eseri inceledikçe eser hakkında bilinenlerden farklı sonuçlar elde ettik. Bu sebeple yazımızda, bazı kaynaklarda Surūrī'nin yazdığı belirtilen Aḥkām-ı Nücūm veya 'İlm-i Nücūm isimli eser hakkında ulaştıklarımızı Türkoloji dünyasıyla paylaşmak ve günümüze dek süren bir yanlışlığı düzeltmeyi amaç edindik.

1. Surūrī'nin Hayatı

Kaynaklarda adı Muṣliḥe'd-dīn Muṣṭafā b. Şa'bān el-Gelibolī er-Rūmī olarak verilen Surūrī 1491 senesinde Gelibolu'da zengin bir ailenin çocuğu olarak doğmuştur. Varlıklı bir ailede yetişen ve iyi bir tahsil gören Surūrī, döneminin önemli hocalarından Nihalî Cafer Çelebi, Kara Davud Efendi, Kadrî Efendi, Taşköprüzade Mustafa Efendi, Abdulvasi Efendi ve Fenarîzade Muhiddin Efendi gibi büyük şahsiyetlerden ders alarak öğrenimini tamamlamıştır.

Hocası Fenarîzade İstanbul'a 1521'de kadı tayin edilince onu da yanına bāb nāibi olarak almıştır, daha sonra tezkireci olan Surūrī ve hocasıyla arasına giren soğukluk yüzünden Nakşibendî şeyhi Mahmud Efendi'den el alıp derviş olmuştur. Fenarîzade'yle arası düzelince yeniden onun yanında çalışmaya başlamıştır. Ardından 1523 yılında Gelibolu'da Sarıca Paşa Medresesi'nde ilk müderrislik görevine atanmıştır. 1526'dan 1537 tarihine kadar Pîrî Paşa Medresesi'nde çalışan Surūrī, 1537'de Kasım Paşa'nın yeni yaptırdığı medreseye müderris olarak davet edilmiştir. Burada müderrislik yaptığı sırada yine tasavvufa meyleder ve müderrislik görevinden istifa ettikten sonra Surūrī, bütün malını mülkünü satıp Kasımpaşa'da bugün yeri bilinmeyen bir cami yaptırıp orada inzivaya çekilmek istemiştir. Ancak medreseyi yaptıran Kasım Paşa'nın ısrarıyla görevine geri dönen Surūrī derviş kıyafetiyle ders verir ve Mesnevî okutmaya başlar.

Surūrī'nin hayatında bir çok dönüm noktası olmuştur, bunlardan belki de en önemlisi Kanunî'nin oğlu Şehzade Mustafa'ya

743-750

YEDİ İKLİM, cilt: VII / sayı: 52, Temmuz-1994, sayfa: 17-21

Bahrü'l Maârif Müellifi Sürûrî'nin Şiir ve Şairlikle İlgili Görüşleri

yakup şafak

XVI. yüzyılın büyük alimlerinden, Kanûnî Sultan Süleyman'ın oğlu Şehzâde Mustafa'nın hocası Muslihuddin Mustafa bin Şa'bân (öl.969/1561), çeşitli dinî ilimlerle mantık, tıp, nücûm ve edebiyat sahalarında telif, tercüme, şerh ve haşiye olarak bir çok eser vermiş; devrinin alimleri içerisinde velûd bir şahsiyet olarak temâyüz etmiştir. Dinî sahada Beyzâvî tefsiri, Buhârî'nin Câmiu's-sahîh'i, el-Hidâye, Telvîh ve Misbâh; edebî sahada ise Mesnevî, Gülistan, Bostan ve Hâfız Divanı için yazdığı şerh ve hâşiyeler, eserlerinin başta gelenleridir.

"Sürûrî" mahlasıyla şiirler yazan ve bir divan tertip etmiş olan müellif, edebi bilgiler ve şiirdeki benzetmeler üzerine de Türkçe bir eser telif etmiştir. Şehzâde Mustafa'nın (öl.960/1553) isteği üzerine kaleme alınan Bahrü'l-maârif adındaki bu eser, bazı kusurlar taşımakla birlikte, uzun zaman sahasında beğenilen bir kitap olarak büyük bir rağbet görmüştür.[1] Eser "birçok eksikliklerine rağmen, bizdeki derli toplu ilk belâgat kitabı"[2] sayılmaktadır.

Bir mukaddime, üç makâle ve bir hâtimeden oluşan Bahrü'l-maârif'in mukaddime ve makâleler kısmında aruz, kâfiye, edebî sanatlar ve ıstılahlar; sevgili, sevgilinin saçı, yüzü, kaşı gibi uzuvları, güzellik, aşk ve sözle ilgili benzetmeler; harf ve kelime oyunlarıyla yapılan bazı sanatlar ele alınmakta, Farsça, Türkçe ve Arapça örneklerle konular geniş bir şekilde işlenmektedir. Hâtime kısmında ise yazar, şiir ve şairliği özellikle dini açıdan ele almakta, bu konudaki görüşlerini birçok ayet, hadis ve şevâhidle açıklamakta, şiire karşı olanlara cevaplar vermektedir.[3] Şiirle alâkalı bu tür bahisler edebiyatla ilgili diğer eserlerde de zaman zaman ele alınmıştır. Bahrü'l-maârif'teki faydalı ve aydınlatıcı bilgiler, bilhassa yazıldığı dönemin görüşlerini yansıtması ve konuya alimler tarafından nasıl bakıldığını göstermesi açısından önem arzetmektedir.

Bu yazımızda Sürûrî'nin mezkûr eserindeki şiirle ilgili görüşlerini, özetleyerek ve sadeleştirerek kendi dilinden sunmayı denedik. Arapça ve Farsça ibarelerin tercümelerini metin içerisinde, konuyla ilgili açıklamalarımızı ise dipnotlarda verdik.

Şiiri "vezinli, kâfiyeli, belli bir gayeyle tasavvur edilmiş ve düzenlenmiş mânâlı söz" olarak alışıla geldiği biçimiyle tarif eden yazar[4], onun dînen ve aklen câiz oluşu hususunda şu bilgileri vermektedir:

Şiir yazmak ve okumak, dînen ve aklen caizdir. Dinen caiz oluşunun delili, ayet ve hadislerdir. Kur'an-ı Kerim'de "Ve'ş-şuarâu yettebiu hümu'l-gâvûne (...) ille'llezîne âmenû ve amilü's-sâlihâti: Şairlere ancak sapıklar uyar; iman edip sâlih amel işleyenler müs-

İslâm Araştırmaları Merkezi Türkiye Diyanet Vakfı Kütüphanesi
29 AĞUSTOS 1994

181500

SÜRURİ'NİN HAFIZ DİVANI ŞERHİNİN İNCELENMESİ

Ahmet Faruk ÇELİK

Danışman : Yrd.Doç.Dr.Yakup ŞAFAK
1996, Sayfa: 157

Ebedi eserler için yazılmış şerhler klasik edebiyatın anlaşılmasında önemli kaynaklardır. Süruri mahlaslı Mustafa Muslihu'd-Din b.Şaban (Ölm.969/1561-62)'ın yazmış olduğu ve üzerinde çalıştığımız "Şerh-i Divan-ı Hafız", Hafız-i Şirazi'nin şiirlerini açıklamak için yazılmış ilk şerhtir. Bu eser üzerinde çalışmamızın amacı, klasik edebiyatın mecaz, kinaye, teşbih ve temsilleri ile mazmun ve mefhumlarının anlaşılabilmeleri için kaynak sağlamaktır. Bu çalışma ile bu husustaki kaynak ihtiyacına cevap verebilecek mühim bir eser edebiyat ve bilim dünyasın dikkatine sunulmuştur. Çalışma, şarkiyat alanında çalışan herkese hizmet verebilecek şekilde düzenlenmiştir. Çalışmada sırası ile, müellif Sururi'nin hayatı hakkında bilgi verilmiş ve "Şerh-i Divan-ı Hafız" ın önemine değinilmiştir. Eserin telif sebebi belirtilmiş, kütüphanelerde mevcut yazmalarına işaret edilmiş ve üzerinde çalışılan, İstanbul Üniversitesi Merkez Kütüphanesi FY 181 v 182 numarada kayıtlı iki ciltlik nüshanın ayrıntılı incelemesi yapılmıştır. "Şerh-i Divan-ı Hafız" da müellif Sururi'nin izlediği şerhin metodu ve yorumu incelenmiş, eserdeki anlam ve Hafız'ın fikir dünyası ortaya konmuştur. Şerh içinde geçen dilbilgisi izahları hakkında da açıklamalar verilmiş, Süruri'nin mefhum ve mazmunlarla ilgili görüşleri örnekleriyle anlatılmıştır. İndeksler kısmında "Şerh-i Divan-ı Hafız" da açıklanan mecaz, kinaye, teşbih ve temsiller, mazmun ve mefhumlar ve bunun gibi kelimelerin birer birer yerleri gösterilmiştir. Özel şahıs ve yer adları ile birlikte eserde geçen kitap adlarının alfabetik dizini çıkarılmış ve müellifin şerhinde şahit olarak getirdiği ayetler, hadisler ve Arapça ibareler için de ayrıca indeksler oluşturulmuştur.

***

INVESTIGATION OF SHEH-I DIVAN-I FOR SURURI

The commentaries which have been written to explain the literary books are important sources at understand the classical literature. "Sherh-i Divan-ı Hafız" which has been written by Mustapha Muslihu'd-Din b.Shaban mentioned Sururi (d.969/1561-62) and has been studied by us, is the first commentary written to comment the poems of Hafız-i Shirazi. The aim of our study is to provide the sources to make easy understanding the metophors, allusions, similes, representations, senses and significations of the classical literature. The work has been prepared to serve everybody who studies at oriantal field. At the study respectively have been given knowledges about Suriri's life and mentioned importance and properties of "Şerh-i Divan-ı Hafız". It has been cleared why Sururi wrote the book, and have been pointed to the manuscripts of this commentary which are being in libraries. It has been analysed the manuscript of in two volumes numbered FY 181 and 182 which is being at the Center Library of İstanbul University, with details. It has been examined the method of comment which has been used in the work by writer and displayed the mentality of Hafız. At another side it have been given explanations about grammatical descriptions which the writer gave in the book, and have been mentioned the sights of Sururi about the significations, metaphors and sensen of the classical literature with examples. In the chapter which contains the inidexes have been shown the places of metaphors, allusions, similes, representations, senses and significations that explained in "Şerh-i Divan-ı Hafız". Also it has been prepared alphabetic indexes for the proper nouns, the place and the book names which passed in the commentary. In addition for the verses of Kur'an, the traditions of the Prophet Muhammed and the other Arabic sentences have been performed indexes.

Selçuk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü
Tez Özetleri 1990-1998, Konya, 1999. İSAM-DN:75074 cilt: I

Doğu Dilleri ve Edebiyatları Anabilim Dalı
Fars Dili ve Edebiyatı Bilim Dalı
Yüksek Lisans Tezi

11 AĞUSTOS 2001

“Ne gördün, Şark’ı çok geçdin?” diyorlar. Gördüğüm: Yer yer

Harâb iller; serilmiş hânümanlar; başsız ümmetler;

Yıkılmış köprüler; çökmüş kanallar; yolcusuz yollar;

Bükülmüş beller; incelenmiş boyunlar; kaynamaz kanlar;

Düşünmez başlar; aldırmaz yürekler; paslı vicdanlar;

Cemâ’atsiz imamlar; kirli yüzler; secdesiz başlar;

“Gaza” nâmıyle dindaş öldüren bîçâre dindaşlar;

Geçerken ağladım geçtim; dururken, ağladım durdum;

Duyan yok, ses veren yok, bin perîşan yurda başvurdum.[10]

Mehmet Âkif, cemiyetin umûmî dertleri yanında fertlerin şahsî ıstıraplarıyla da yakından ilgilenmiştir. O; Kûfe, Kör Neyzen, Meyhâne, Mahalle Kahvesi, Bayram... gibi şiirlerinde çeşitli sefâlet levhaları çizmiş ve onlara hakkıyla yardım edememenin verdiği ıstırâbı yüreğinin derinliklerinde hissetmiştir. Yani Âkif'te yıkılan bir imparatorluğun acılarından tutun da Anadolu’nun en ücra köşesinde yalın ayak sırtı çıplak yaşayan bir çocuğun çektiği sıkıntılara kadar uzanan bir ıstırap çizgisini bulmak mümkündür.

Belki de bu konuda Âkif'i en iyi anlatan şu beyittir:

Gamsız insanlara eğlence gelirmiş yaşamak;

Yüreğin hisli mi, işkencedesin, talihe bak.[11]

Evet, Âkif mustarip yaşadı ve mustarip öldü. Onun bu ıstırâbını anlayan kaç kişi varız? Heyhât!..

---

[10] A.g.e., s. 451

[11] A.g.e., s. 375.

D. 1610

Türkiyat Araştırmaları Dergisi
Sayı:4, KONYA 1997, s. 217-235

SÜRÛRÎ'NİN BAHRÜ'L-MAÂRİF'İ VE BU ESERDEKİ TEŞBİH VE MECAZ UNSURLARI

Yrd. Doç. Dr. Yakup Şafak*

a. Sürûrî ve Eserleri:

X (XVI.) yüzyılın büyük âlimlerinden biri olan ve şiirlerinde Sürûrî mahlasını kullanan Muslihuddîn Mustafâ b. Şa'bân, 897 (1491)'de Gelibolu'da dünyaya gelmiş; zengin bir tacir olan babasının da teşvik ve yardımıyla zamanının ileri gelen alimlerinden tahsil görmüş; Fenârîzâde Muhyiddin Efendi'den mülâzım olmuş, daha sonra onun yanında bab naibliği ve tezkireciliği görevlerinde bulunmuştur. Bir ara başından geçen birtakım olaylar üzerine ilmiye tarîkini terkedip dervişlik yoluna giren Mustafa Efendi, bilâhare gördüğü alâka ve teveccüh üzerine çeşitli medreselerde müderrislik görevinde bulunmuştur.

955 (1548)'te Kanûnî Sultan Süleyman'ın oğlu Şehzâde Mustafa'ya hoca tayin edilen Sürûrî, Amasya'da âlimlere ve ediplere büyük ilgi duyan bu şehzadenin yanında birkaç yıl bulunmuş, onun en yakınlarından biri olmuş ve kendisi için bazı eserler kaleme almıştır. Şehzâde Mustafa'nın 960 (1553)'ta Kanûnî tarafından Karaman Ereğli'sinde katlettirilmesi üzerine, büyük bir

---

* Selçuk Ün. Fen-Ed. Fakültesi, Doğu Dilleri ve Ed. Bölümü Öğretim Üyesi

SÜRURİ'NİN MESNEVİ ŞERHİ (TANITIM-İNDEKS-TENKİTLİ METİN) (v.1b-40a)

Orhan BAŞTÜRK

Danışmanı : Prof.Dr.Adnan KARAİSMAİLOĞLU
1997, Sayfa: 280

Değişik konularda birçok eseri bulunan ve önemli eserlere şerhler yazan, mühim eserlerinden biri olan Mevlânâ Celaleddin-i Rumi (1207-1273)'nin Mesnevi adlı eserini Farsça olarak şerheden Osmanlı alimlerinden Süruri Efendi (897/1491-969/1562)'nin eserinin birinci cildi varak lb-40b'deki tenkitli metni bu tezin konusunu teşkil etmektedir.

Çalışmamız şu kısımlardan oluşmaktadır:

Giriş: Süruri'nin hayatı ve eserlerinin değerlendirilmesi, Mesnevi şerhinin diğer yazma nüshaları tespit edilmiş, tenkitli metinde kullanılan yazma nüshalar tanıtılmış, kullanılan yazma nüshaların ve hazırlanan metnin imla özellikleri belirtilmiş ve şerhin özelliklerinden bahsedilmiştir.

Birinci Bölüm: Mesnevi şerhinin mukaddimesi ve onsekiz beyitle ilgili şerh ve haşiyelerin Türkçe tercümesi verilmiştir.

İkinci Bölüm: Şerh-i Mesnevi'nin tenkitli metni (lb-40b) ve ilgili haşiyelerin tenkitli metnine ve indekslere yer verilmiştir.

Süruri Efendi, bu şerhinde Mesnevi beyitlerini teker teker ele alıp şerhetmiştir. Şerh yaparken belirli bir uslup takip etmemiştir. İctimai hayattan örnekler vererek anlaşılmasını sağlamaya çalışan Süruri Efendi, Ayet-i Kerimelere, Hadis-i Şeriflere, örnek beyitlere, mutasavvıf şahsiyetlere ve nakilllere yer vermiştir. Farsça olarak şerhettiği için lisani incelikleri kaçırdığı söylenirse de, bu şerh zamanına göre güzel şerhlerden birisi sayılmıştır.

***

SURURI'S COMMENTARY OF MASNEVI (INTRODUCTION-INDEX-CRITICAL EDITION (p.1b-40a))

Sururi (d. A.D. 1491-1562) has written several books on various fields, his most prominent work is "Şerh-i Mesnevi" which includes the whole of Masnevi by Mevlana Jelal al-Din Rumi (1207-1273).

The scope of this thesis covers a part of critical edition, Sururi's "Persian commentary on the Masnevi of Mevlana Jelal al-Din Rumi.

It has three sections:

İntroduction: Life and work of Sururi, handwritten copies was determined, peculiarities of commentary was mentioned.

First section: Preface of commentary on the Masnevi and commentary of belonging eighteen couplets was translated.

Second section: Critical edition's commentary of Masnevi (lb 40b).

Sururi has examined couplets one by one commented on them giving examples of Ayat, Hadith, the meaningful remarks, mystical masters. His commentary has been qualified as the best commentary.

Selçuk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü
Tez Özetleri 1990-1998, Konya, 1999. İSAM-DN:75074

cilt: I

Doğu Dilleri ve Edebiyatları Anabilim Dalı
Fars Dili ve Edebiyatı Bilim Dalı
Yüksek Lisans Tezi

11 AĞUSTOS 2001

-Bina il-Ef'al
Bursevi Muslihuddin Mustafa 500
-Akkirmani

بناء الأفعال

أمثلة البناء ، كتاب البناء ، متن بناء الأفعال . . .

في كشف الظنون :٢٥٥ :«مختصر مشهور يقرأه الصبيان» . . .

وفي فهرس الأزهرية ٤ :أمثلة البناء . متن في الصرف لم يعلم مؤلفه .

أوله :الحمد لله ذي النعم الكثيرة العظام الخ . طبع بولاق سنة ١٢٨٠هـ وسنة ١٢٨٢هـ وسنة ١٣١٢هـ .

وفي الأزهرية أيضاً ٤ :٦٢ بناء الأفعال مختصر في علم الصرف ينسب إلى المولى عبيد الله الأنقروي . وفي شرحه للبيضاني :٤ «للدنقزي» .

أوله :أعلم أن أبواب التصريف خمسة وثلاثون باباً الخ ، طبع بمطبعة بولاق سنة ١٢٨٢هـ وسنة ١٣١٢هـ .

***

سروري مصطفى بن شعبان الرومي المتوفى سنة ٩٦٩هـ (هدية العارفين ٢ :٤٣٤ ، الأعلام ٧ :٢٣٥ ، كحالة ١٢ :٢٥٦) .

ـ شرح الأمثلة

أوله :الحمد لله الذي جعل الأمثلة ميزان العلوم الخ خ جامعة محمد بن سعود بالرياض ٤١١١ وخمس نسخ أخرى بنفس المكتبة وبرلين ٦٨١٩ .

أحمد بن مصطفى الشهير بلالي المتوفى سنة ٩٧١هـ (فهرس برلين ٦ :٢٨٨) .

ـ المصرح في شرح أمثلة البناء

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروحة في التراث الأسلامي و بيان شروحه), الجزء الأول, 1425/2004 ابو ظبي , ص. 500-502 İSAM 130564.

أوله :الحمد لمن جعل أذهان المبتدئين مزينة بالمثال الخ خ برلين ٦٨٢٠ وكوبريلي خ سنة ١١٦٣ برقم ٦٢٦ وجامعة محمد بن سعود ٦٣٤١ .

مصلح الدين محمد بن صلاح اللاري المتوفى سنة ٩٧٩هـ (ذيل كشف الظنون ٢ :٤٦٧) .

ـ مرشد الغناء في أمثلة البناء

أوله :الحمد لله الذي ملا قلوب عباده حكمة ونوراً الخ خ برلين ٦٤٢٨ .

محمد بير علي بن اسكندر البركلي المتوفى سنة ٩٨١هـ (سبق) .

ـ شرح أمثلة البنا

خ برلين ٦٨٢٩ وجامعة محمد بن سعود ١٥٣ .

أحمد بن محمد بن عبد العزيز الأندلسي المتوفى بعد سنة ١٠٣٨هـ (كشف الظنون :٢٥٥ ، وكحالة ٢ :١١٩ ، وهدية العارفين ١ :١٥٧) .

ـ مانح الغنا ومزيل العنا عن كتاب البناء

خ مكتبة جدة برقم ٥٠٥ ودار الكتب الوطنية تونس ١٣٩٦ والأحمدية بتونس ٤٢٨٩ .

حسن بن محمد الأدوده مشي الأزميري الرومي المتوفى سنة ١١٥٠هـ (هدية العارفين ١ :٢٩٧) .

ـ تذكرة الأبواب في شرح البناء.

داود بن محمد القارصي المتوفى سنة ١١٦٩هـ (سبق) .

ـ شرح الأمثلة

أوله :الحمد لله الذي جعل العربية مفتاح الكلام الخ خ جامعة محمد بن سعود ٨١٤٠ وبرلين ٦٨٢١ طبع (سركيس :٢٨٦) .

أبو الفيض محمد بن حميد الكفوي قاضي مكة المتوفى سنة ١١٧٤هـ (ذيل كشف الظنون ١ :٣ ، الأعلام ٦ :١١١) .

ـ شرح البناء

أوله :الحمد لله الذي صرف صيغ وجودنا الخ خ كوبريلي ٦٢٨ وأوقاف بغداد ١٣٩١ ومركز الملك فيصل ١٤٠٤ طبع (سركيس :١٥٦٦) بالأستانة سنة ١٢٧٤هـ في ٧٩ صفحة .

عبد الرحمن بن يعقوب الأماني المتوفى بعد سنة ١٢٨٧هـ (سبق في البردة)

ـ قبة البنا في شرح البنا (نزهة الفكر ٢: ١٣٥)

محمد خير الريحاوي . . .

ـ حاشية الريحاوي على متن بناء الأفعال

خ سنة ١٢٨٥هـ خ بالأزهرية (١٠٠٦) حسونة ١٢٨٨٩ .

أحمد بن رشدي بن محمد القره أغاجي المتوفى سنة ١٢٥١هـ (هدية العارفين ١ :١٨٦) .

ـ الأساس في شرح البناء. طبع الاستانة سنة ١٢٩٠هـ (سركيس ٩٣٣)

اختصره :

علي بن عثمان . . .

✱ تلخيص الأساس

عبدالله محمد الحبشي, جامع الشروح والحواشي , (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروحة في التراث الأسلامي و بيان شروحه), الجزء الأول, 1425/2004 ابو ظبي , ص. İSAM 130564.

Mehmet Ali Uz, Konya Kültürüne Hizmet Edenler, Konya 2003. İSAM 92315

Bunları verirken, asıl olarak iki kaynaktan faydalanır: Kur'an-ı Kerim ve hadisler.

"Canım bedenimde oldukça Kur'ân'ın kuluyum,
Seçilmiş Muhammed'in yolunun toprağıyım.
Birisi, sözlerimden bundan başka bir söz naklederse;
Ondan da şikâyetçiyim ben, bu sözden de şikâyetçiyim."

diyen Mevlânâ, ayın ışığını güneşten alması gibi, feyzini Kur'ân ve hadislerden aldığını belirtir. Mesnevî için, "Fars diliyle yazılmış bir Kur'ân-ı Kerim'dir" diyen Molla Câmî;

"Her kim Mesnevî'yi sabah akşam okursa,
Onun için cehennem ateşi haram olsun.
Ne diyeyim ben bu âlî-cenâbı vasfetmek için,
Peygamber değildir, ama kitabı var."

sözleriyle aynı gerçeği dile getirir. Câmî'nin beyitlerindeki cehennem ise, insanın gafleti sebebiyle henüz dünyada iken düşeceği ruhî ıstırapların ateşten çukurudur. Günümüzde bir fikir ve iman felci içinde olan insanlığın ihtiyacı olan ilacı, rûhânî gıdayı Mevlânâ'nın eserlerinde bulmak mümkündür. Nitekim Mevlânâ'nın bu dünyayı terk edişinden beri yedi yüzyıldır eserleri bir kutup yıldızı gibi gerçek aşkı ve doğru yolu arayanlara rehberlik etmiştir.

Ondan ilhamını alan Mevlevîlik halkası içinde yüzlerce şâir, musikişinas, hattat, âlim ve binlerce insan bu ışıktan faydalanmıştır. Yalnızca Mevlevîler değil, bütün Türkler, doğu ve batı âlemleri de Mesnevî ile aydınlanmışlardır.

Yurdumuzda câmiye giren iki kitaptan biri olan Mesnevî; dünya ve âhiret saadetinin anahtarını sunmuş, fetih ruhunu milletimize aşılamış, bizim için manevî bir kuvvet kaynağı olmuştur. Yahya Kemal'in şu sözleri enteresandır: Ahmet Hamdi Tanpınar bir gün Yahya Kemal'e sorar: "Üstat, biz Viyana kapılarına kadar nasıl gittik?" Yahya Kemal cevap verir: "Pilav yiyerek ve Mesnevî okuyarak!".

Bugün de manevî açlığımızı Mesnevî ile gidermek için, onu bir cep kitabı gibi yanımızdan ayırmamamız gerekiyor...

* Mevlâna Celâleddin Rumi adlı kitabından alınmıştır.

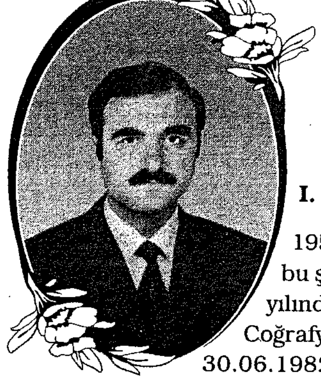

YRD. DOÇ. DR. YAKUP ŞAFAK
(Doğ. 1959)

I. HAYATI

1959 yılında Samsun'da doğdu. İlk ve Orta tahsilini bu şehirde tamamladıktan sonra 1978-1979 öğretim yılında kaydolduğu Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Fars Dili ve Edebiyatı Kürsüsü'nü 30.06.1982 tarihinde Pekiyi derece ile bitirdi. Aynı yıl Ankara Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Fars Dili ve Edebiyatı programına yüksek lisans öğrencisi olarak kaydoldu. Buradan Prof.Dr.Meliha Anbarcıoğlu danışmanlığında hazırladığı "Çehâr Makâle'de Dil ve Üslûp" adlı tezini vererek 10.04.1985 tarihinde Pekiyi derece ile mezun oldu. Yüksek lisans öğrenimi sırasında 04.04.1983 tarihinde Atatürk Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi Fars Dili ve Edebiyatı Anabilim Dalı'na araştırma görevlisi olarak tayin edildi. 1986-87 öğretim yılında Atatürk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Fars Dili ve Edebiyatı programına Doktora öğrencisi olarak kaydoldu. 06.05.1991 tarihinde Doç.Dr.Ömer Okumuş danışmanlığında hazırladığı "Sürûrî'nin Bahrü'l maârif'i ve Enîsü'l-uşşâk ile Karşılaştırılması" isimli tezini vererek edebiyat doktoru ünvanını aldı. Aynı yıl Eylül ayında Yardımcı Doçentlik kadrosuna atandı. 11.09.1992 tarihinde ise Selçuk Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi Doğu Dilleri ve Edebiyatları Bölümü Fars Dili ve Edebiyatı Anabilim Dalı'na tayin edildi.

Halen mezkûr Anabilim Dalı'nda öğretim üyesi olarak görev yapmaktadır. Aynı zamanda Fars Dili ve Edebiyatı Anabilim Dalı Başkanlığını yürütmektedir. Selçuk Üniversitesi Selçuklu Araştırmaları Merkezi ve Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü'nde Yönetim Kurulu Üyesi olarak görev yaptı. Orta seviyede İngilizce ve Arapça bilmektedir. Evli ve dört çocuk babasıdır.

II. KİTAPLARI

1. **Arapça Farsça Türkçe Örnekleriyle Edebî Sanatlar**, Erzurum, 1991, (M.Sadi Çöğenli ve Recep Toparlı ile birlikte)
2. **Divançe-i Es'ad Paşa, Erzurum**, 1992, (M.Sadi Çöğenli ve Recep Toparlı ile birlikte)
3. **Farsça'da Cümle Kuruluşları**, Konya, 1998, (Yrd. Doç. Dr. Yusuf Öz'le birlikte)

11 AGUSTOS 2001

Gelibolulu Musluhiddin Sürûrî, Hayatı, Kişiliği, Eserleri ve Bahrü'l-Ma'ârif İsimli Eseri

Ailesi

XVI. Asrın tanınmış hadis, tefsir ve belâgat âlim ve ediplerinden biri olan Sürûrî[1] 897/1491 yılında Gelibolu'da dünyaya gelmiştir[2]. Kaynaklarda adı Sürûrî Muslihü'd-dîn Mustafâ b. Şa'bân el-Gelibovî er-Rûmî şeklinde geçmektedir. Adı Mustafâ, adının lakabı Muslihü'd-dîn, baba adı Şa'bân, nisbeti el-Gelibovî ve Rûmî, mahlası da Sürûrî'dir. Zengin bir babanın çocuğu olarak müreffeh bir şekilde tahsilini tamamlamasından dolayı bu mahlas kendisine verilmiş olabileceği gibi tezkirecilik ve şehzade hocalığından sonra makûs giden talihini çevirmesi için de almış olabilir. Birinci ihtimalin daha kuvvetli olduğunu

Didiler te'sîri var ismin müsemmâda velî
Ey Sürûrî görmedüm âlemde handân oldugın"[3]

beytinden anlıyoruz. Anadolu'da doğmuş ve yetişmiş olması ona diğer bir çok alim ve şair gibi Rûmî mahlasının da verilmesini sağlamıştır.[4]

Babası H^{w}âce Şa'ban, şehrin pazarında oturan zengin bir tüccardı[5] ve abartılı bir şekilde anlatılacak kadar zenginliğe sahipti.[6] Alim ve fâzıl kimseleri çok seven zengin baba biricik oğlunun eğitimi ve öğretimi için malını harcamaktan hiç çekinmemiştir.[7] H^{w}âce Şa'ban memuriyette de bulunmuştur. Sultan II.Beyazıt'ın Amasya'da şehzadeliği sırasında bir dönem onun defderdarlığını yapmıştır.[8]

Öğrenim hayatı

Babası ilme çok meraklı olduğu için oğlunun eğitimine devam etmesini madden ve manen desteklemiştir. *Kâfiye*[9] isimli kitabı ezberlediğinde babası sevincinden hocasını ve kendisini hediyelere boğmuştur.[10] Herhangi bir eser kaleme aldığında babası hiç bir vakit mükâfatlandırmayı ihmal etmemiştir.[11] Devrinin ileri gelen âlimlerinden Kâdrî[12], Nihalî, Ca'fer Çelebi, Bursa'da Kasımpaşa müderrisi Kara Dâvud Efendi, Kadri Efendi, İstanbul'da Taşköprülüzâde Mustafâ Efendi[13] ve Abdülvâsi' Efendi'den ders

---

[1] Kastamonulu Latifî, *Tezkire-i Latifî*, İstanbul, 1314. s.186.
[2] Faik Reşat, *Eslâf*, İst., 1312, s. 26
[3] Beyâni *Tezkire*, İ.Ü. Ty.2568, 40^{b}., Bursalı Mehmet Tâhir, *Osmanlı Müellifleri*, İst., 1333, c.2, s. 226
[4] Bağdatlı İsmail Paşa, *Hediyyetü'l-Arifîn Esmâü'l-Müellifîn ve Asâru'l-Musannifîn*, İst., 1955. c.2. s.434.
[5] Mustafâ İsen, *Künhül'l-Ahbar'ın Tezkire Kısmı*, Ank. 1984. s.229-231.
[6] Kınalızâde Hasan Çelebi, *Tezkiretü'ş-Şüerâ*, yay. haz. İbrahim Kutluk, Ank. 1978, c.1, s. 457. Şemsettin Sami, Kamusu'l-Alam, İstanbul, 1311, c.4, s.2558.
[7] Ali b. Bali, *el-Ikdu'l-Manzûm fî Zikri Efâzılı Rûm*, Beyrut, (Şakayık'ın sonunda) s. 343.
[8] Sehi, *Heşt Bihişt the Tezkere by Sehi Beg*, haz. Günay Kut, Harward, 1978, s. 45^{b}.
[9] *Mısır mektebine mensup İbni Hâcib'in (ö.646/1249) Arap gramerine ait meşhur eseri. Kısa ve öz olmasına rağmen nahiv ile ilgili bütün konuları kapsar. Bir çok şerhi vardır. Molla Abdurrahman Cami tarafından yapılan şerh Osmanlı medreselerinde ders kitabı olarak okutulmuştur. Çok çeşitli baskısı olan bu eserin Tarık Necm Abdullah tarafından tahkik edilerek 1407/1986 Cidde'de neşredilmiştir.* Kenan Demirayak-Sadi Çöğenli *Arap Edebiyatında Kaynaklar*, 2. Bs., Erzurum, 1995, s.167.
[10] Nev'izâde Atâyî, *Hadâikü'l-Hakâyık fî Tekmiletü'ş-Şakâyık*, neşr. haz. Abdülkadir Özcan, İst. 1989. s.23.
[11] Faik Reşat, *a.g.e.*, s.27
[12] Ali b. Bali, *a.g.e.* a.y.
[13] Carl Broceklmann, *Geschichte der Arabischen Litteratur*, Leiden, 1949, c.2, s.579

181500

— Sürurî, Muslihiddin Mustafa (181500)

14 Kasım 2010

Değerlendirme", *III. Türk Tıp Tarihi Kongresi, Kongreye Sunulan Bildiriler, 16-18 Haziran 2004, Sivas Divriği*, İstanbul 2006, s. 313-322.

84. MUṢLİḤUDDĪN MUṢṬAFĀ B. ŞA'BĀN AL-SURŪRĪ (ölm. 969/1562)

897/1491'de Gelibolu'da doğdu. Babası Hoca Şaban adlı zengin bir tacirdi. Nihālī Cafer Çelebi (ölm. 950/1543), Kara Davud(1475-1541), Taşköprī-zāde Mustafa gibi önde gelen ālimlerden ders gördü. Fenārī-zāde Muhyiddin Efendi (954/1548)'ye mülāzemet etti. Gene onun tarafından 927/1521'de bāb nāibliğine getirildi. 929/1522'de Fenārī-zāde'nin tezkirecisi oldu. Bu makamın gizli belgelerini ifşa ettiği ithamı üzerine vazifeden ayrılarak Emir Buhārī Tekkesi şeyhi Nakşibendī Mahmud Efendi'den inābet alarak derviş oldu. Ardından hacca gitti. Dönüşünde Fenārī-zāde'den daha çok iltifat görerek 930/1523'de Gelibolu Sarıca Paşa Medresesi'ne müderris oldu. 933/1526'da Pīrī Paşa Zaviyesi müderrisi idi. 954/1548'de Fenārī-zāde'nin vefatıyla müderrislikten ayrılıp tekrar dervişliğe geçti. Mora sancak beyi Kasım Paşa'nın ısrarı ile Kasımpaşa Camii'nde belirli vakitler ders vermeye devam etti. Bu arada kendi adıyla anılan camiini inşa ettirdi. 955/1548'de Şehzade Mustafa'nın hocası oldu. Amasya'ya şehzadenin yanına gitti. 960/1553'te Şehzade Mustafa'nın katledilmesi üzerine inzivaya çekildi. Tedris ve telifatla vakit geçirdi. 7 Cemaziyelevvel 969/13 Ocak 1562'de öldü. Tefsir, hadis, fıkıh, mantık, ilm-i nücum gibi çeşitli dallarda eserler vermiştir (*OCLT*, s. 31-34).

1. Çūb-i Çīnī Risālesi Tercümesi (T): چوب چيني رساله سي ترجمه سي

Terceme-i Risāle-i Bīḫ-i Çīnī (T, ترجمهء رسالهء بيخ چيني) veya Terceme-i Risāle-i Çūb-i Çīnī (T, ترجمهء رسالهء چوب چيني) olarak da geçer. 950/1543 yılında ortaya çıkan bīh-i çīnī adlı ilaç hakında Hintçe yazılan risale Mahfī-i Gīlānī (bkz. s. 191-192) tarafından 963/1556 yılında Farsça'ya çevrilmiş, Sururī Farsça çeviriden Türkçe'ye tercüme etmiştir (KZ, s. 858).

Başı: صاحب التحرير و التقرير پر سروري فقير حقير شويله بيان...پس سنه خمسين و تسع
مائة ده اخراج اولنوب بيخ چيني قلينوب
...هست امان اين زعذاب اليم
حمد ثناي نطق افريندركه در ابدار سخن در صدف لسان بني نوع انسان مكنون... بعد ما
مسطور و نهان بيورلميه كه بيخ چيني رسالهء شريفه مقدما زبان هندي ايله تأليف اولنوب بعد
ذلك اين فقير ابو المظفر

Nüshaları:

*Reisülküttab, nr. 1207/9: talikle yap. 159-168, 14,8x10(14,8x5) cm. İstinsahı H. 962'de.

*Köprülü, nr. 1598/12: talikle yap. 519^b-528^b, 17x10,3(11,5x6,2) cm, 17 str. İstinsahı Muḥammed b. 'Alī al-Şirvānī tarafından H. 970'de İstanbul'da. *Katalog*, II, 304.

*Muallim Cevdet, nr. K.297: harekeli nesihle 16 yaprak, 20x14(12x8) cm, 11 str. İstinsahı H. XI. asırda. *Atatürk Kitaplığı Muallim Cevdet Yazmaları Alfabetik Kataloğu*, s. 69, 104; *İslami Tıp Yazmaları Kataloğu*, s. 355

Haz. Ekmeleddin İhsanoğlu...[ve öte.], **Osmanlı Tıbbi Bilimler Literatürü Tarihi**, c.I, İstanbul 2008.

THE ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM (*New Edition*), Vol. IX, (*Fasc. 161-162*), 1997 LEIDEN, pp. 895-896.

Sürûrî: Muslihuddin Mustafa
Sürûrî Seyyid Osman

and later of Riyāḥ and Ḳurra, all members of the Hilāl group, in this region, and this later exploded into the great Hilālian invasion of 443/1051, in the aftermath of which we have the report of al-Bakrī (d. 476/1083), "It is a large city by the sea and enclosed by a wall of bricks. It has a mosque, a bath and bazaars. It has three gates: Ḳiblī [i.e. southeast], Djawfī [i.e. landwards], and a small one facing the sea [i.e. north]. This city has no suburbs around it, but possesses date-palms, gardens, sweet-water springs and many cisterns. Its animals are goats and their meat is juicy and tender, the like of which is not found in Egypt." The new elements are a mosque, the bath, and bazaars. Al-Bakrī's report was the basis of the modern excavations in this area. He hints at the existence of Arab, Berber, Persian and Coptic merchants, whose commercial practices he criticises.

In the later Fāṭimid period, Surt began to be abandoned, being probably no longer a junction of east-west and north-south trade routes. The decline of Surt and Adjdābiya is attested by al-Idrīsī (d. 561/1166), who seems to have visited the Syrtic region. In the next century, ʿAlī b. Saʿīd al-Maghribī (d. 685/1286) talks of Surt's forts having survived. In the 19th century, the Ottoman writer Aḥmad al-Nāʾib al-Anṣārī also mentions Surt, but mainly on the basis of al-Bakrī's report.

The city withered away between the 6th/12th and the early 19th centuries. It is at this time that western exploration and modern archaeology revived knowledge of it. The Beachey brothers visited it in 1821; Heinrich Barth in 1846 (whose ideas were restated by Karl Müller); G.A. Freund in 1881; Luigi Cerrata in 1931; and Richard Goodchild in 1950. Later explorations by ʿAbd al-Ḥamīd Abu 'l-Saʿūd in 1963-4, Muḥammed Muṣṭafā in 1965-6, H. Blake, A. Hutt, and D. Whitehouse in 1971, and by Géza Fehérvari, Abu 'l-Saʿūd and Geoffrey and Joan King, as well as Masʿūd Shaghlūf and E. Chin, in 1978, have covered four seasons of excavations revealing walls that encompassed the city during the time of Ibn Ḥawḳal within 184,003 m^2, the mosque, the forts, the cisterns, and the roads and gates. No trace of the harbour remains, but as evidence of trade, 20 Fāṭimid lustre fragments and a coin of the time of the caliph, al-Muʿizz have been discovered.

Bibliography: 1. Sources. Yaʿḳūbī, *Buldān*, 344-6; Ibn Khurradādhbih, vi, 85, 86, 224; Muḳaddasī, iii, 245; Ibn Ḥawḳal, ii, 67-8, tr. Kramers-Wiet, 63-4; Bakrī, *al-Mughrib fī dhikr bilād Ifrīkiya* (= part of his *al-Masālik wa 'l-mamālik*) ed. de Slane, Algiers 1857; ʿAlī b. Saʿīd al-Maghribī, *al-Mughrib fī ḥulā 'l-Maghrib*, quoted in Abu 'l-Fidāʾ, 149; Maḳrīzī, *Ittiʿāẓ al-ḥunafāʾ*, ed. Dj. al-Shayyāl, Cairo 1967, 59-96; Ibn ʿIdhārī, i, 230, 243-5; 251-2 Aḥmad al-Nāʾib al-Anṣārī, *al-Manhal al-ʿadhb fī taʾrīkh Ṭarābulus al-gharb*, Tripoli n.d. 119-20.

Studies. R.G. Goodchild, *Medina Sultan (Charax-Iscina-Surt), a preliminary note*, in *Libya Antiqua*, i (1965), 132-42; ʿAbd al-Ḥamīd Abu 'l-Saʿūd, *Early mosque at Madinet Sultan*, in *ibid.*, iii-iv (1966-7), 155-60; H. Blake, A. Hutt and D. Whitehouse, *Adjdābiya in the earliest Fāṭimid Architecture*, in *ibid.*, viii (1971) 105-20; A. Hamdani, *Some aspects of the history of Libya during the Fāṭimid period*, in *Libya in history*, Beirut 1970, 321-48, and *Surt: the city and its history*, in *The Maghreb Review*, vi/١-2 (1991), 2-17.

(A. Hamdani)

SURŪR, Mīrzā Radjab ʿAlī Beg (*ca.* 1787-1867) early writer of Urdu fiction, born in Lucknow, for which city he retained great affection all his life. He was well educated, noted for his command of Arabic and Persian, as well as Urdu, and excelled in calligraphy. He was also an expert musician. He was trained in poetry by a pupil of Sūz [*q.v.*], Nawāzish. He was a friend of the poet Ghālib [*q.v.*], who regarded him as the leading, Urdu prose writer of his age. Apparently, Surūr fell foul of the Nawwāb of Lucknow Ghāzī al-Dīn Ḥaydar Shāh, and had to leave for Cawnpore and Benares, where he wrote his masterpiece, the romantic novel *Fasāna-yi ʿadjāʾib*. For further information about this work, see ḳiṣṣa, 5. In Urdu, at vol. V, 202. The title of the work is apt, meaning "Story of wonders", as it contains "plenty of necromancy and witchcraft, spiced with adventures in charmed forests and duels with demons and wizards" (Saksena). It is an archetypal *dāstān* or fairy-story in the tradition of the old *mathnawīs* [*q.v.*]. Two features must, however, be stressed. Firstly, the prose style tends to be ornate with much rhyme. But Muḥammad Sadiq does concede that "whenever the story interest predominates ... he comes quite close to the spoken language of the day, and is racy and idiomatic". Secondly, considerable light is shed on contemporary Lucknow life, seen in the long introduction. Surūr played an important role in the rise of the Urdu novel. He was imitated and, at times, satirised. Future developments were to come from European—chiefly English—influences. Although written in 1824, *Fasāna-yi ʿadjāʾib* was not published until nearly twenty years later. In the meantime, Surūr, had returned to Lucknow, and had been appointed a court poet to Wādjid ʿAlī Shāh, Nawwāb of Awadh or Oudh who was, however, exiled by the British to Calcutta in 1856. Surūr was left destitute, but later enjoyed the patronage of the Māhāradjas successively of Benares, Alwar and Patiala. He died in Benares.

The position of Surūr in Urdu literary history is that his fame is in one form only, the novel; indeed, almost entirely in one work. Yet, he excelled in several fields, and this was recognised by his contemporaries. Unfortunately, little of his vast output is readily available in print. This is attested by Saksena, writing in 1927. Among works mentioned are a review of Ghālib in rhymed prose, and an adaptation of the *Arabian Nights*, *Shabistān-i Surūr*. There is also a congratulatory ode on the marriage of Prince Edward, later King Edward VII. Very little of his works, apart from his prose, has survived, and of that, his works on calligraphy and music have been forgotten. As for his poetry, although it must have been of a high order, no *dīwān* is to be found. Some poems are available in his prose works and in various anthologies. According to Saksena, though he was a member of the Lucknow school, he followed an independent path, scorning artificiality and bombast. On the whole, Saksena's account of Surūr is one of the best parts of his *History of Urdu literature*, though at times verbose and inconclusive. It does show him as a controversial figure who merits further study.

Bibliography: Surūr's letters describing his travels in northern India were published, and are praised by Saksena. For further information, reference should be made to ḳiṣṣa. 5, and also to Muḥammad Sadiq, *A History of Urdu literature*, Oxford 1964, and Ram Babu Saksena, *History of Urdu literature*, Allahabad 1927.

(J.A. Haywood)

SURŪR, NADJĪB [see nadjīb muḥammad surūr].

SURŪRĪ (SÜRŪRĪ), the pen-name (*makhlaṣ*) used by several Ottoman poets, of whom the following two are the most remarkable:

1. Muṣliḥ al-Dīn Muṣṭafā, a distinguished

على رضا قره بلوط, معجم المخطوطات الموجودة في مكتبات استانبول و آناطولي, الجزء الثالث, ص. 1558-1560 [y.y., t.y.] İSAM 141629

Sururi Muslihuddin Mustafa

5246 – مصطفى بن شعبان مصلح الدين كليبوليلي العثماني الفقيه الحنفي النحوي الصرفي الشاعر الأديب الحنفي المعروف بسروري المتوفى 1561/969

(أنظر : كشف الظنون 189 ، 226 ، 497 ؛ هدية العارفين 434/2 ؛ أورخان غازي رقم 1208 ؛معجم المؤلفين 256/12 ؛ الزركلي 136/8)

من تصانيفه :

1 –بحر المعارف في الشعر والعروض والقافية (ت)

تاريخ التأليف 956 هـ؛ ألفه لمصطفى خان إبن السلطان سليمان خان العثماني ؛ قيصري راشد أفندي رقم 608 ورقة 144 ، 963 هـ بايزيد رقم 5620 ، 2/5841 ؛ فاتح رقم 3692 ؛ آياصوفيا رقم 3797-3798 ؛ نورعثمانيه رقم 3683-3684 ؛ عاطف أفندي رقم 1978-1979 ؛ خسرو باشا رقم 483 ؛ حكيم أوغلي رقم 598 ؛ لالا إسماعيل رقم 394 ؛ حميديه رقم 1051 ؛ وليّ الدين أفندي رقم 2709 صفحة 284 ؛ أسعد أفندي رقم 2909 ؛ حلبي عبد الله رقم 273 ؛ وفي مكاتيب إستانبول نسخ أخرى ؛ TDK رقم آ/236 ورقة 141 ، 1001 هـ رقم 400 ورقة 113 ، 1188 هـ شهزاده محمد رقم 83 صفحة 61 ؛

2 – تخميس قصيدة البردة للبوصيري (ت)

مراديه رقم 2/1653 ورقة 50-67 ؛

3 - ترجمة عجائب المخلوقات وغرائب الموجودات للقزويني (ت)

أحمد ثالث رقم 3632 ترجمة النصف الأول ؛ وليّ الدين أفندي رقم 2462 صفحة 420 ؛

4 – ترجمة موجز القانون – في الطب (ت)

جامعة إستانبول رقم 7080 ورقة 266 ، 1156 هـ رقم 964 ورقة 86 ؛ رقم 4354 ورقة 255 ، 1018 هـ قاضي زاده محمد أفندي رقم 347 ورقة 383 ، 995 هـ شهيد علي 2060 ورقة 259 ، 967 هـ وهبي أفندي رقم 1487 ؛ فاتح رقم 3542 صفحة 342 ؛ آياصوفيا رقم 3662 ورقة 537 ؛ حكيم أوغلي رقم 576 ، 988 هـ؛ مراديه رقم 2871 ورقة 208؛ حميديه رقم 1018 ؛

5 – ترجمة ذخيرة الملوك للهمداني – في السياسة (ت)

Sürûri Muslihuddin

SÜREYYA Paşa (1845-1894): Tarih yazarı. İstanbul'da doğdu. Asıl adı Ahmed Süreyya'dır. Darü'l-maarif'ten mezun olduktan sonra Şura-yı Devlet'e muavin ve Nafıa Nezaretine mektupçu olarak atandı. Baş mabeynci Osman Beye damat oldu. 1884'te Mabeyn ikinci kâtipliğine, iki yıl sonra da vezir rütbesi ile başkatipliğe getirildi; 1893 'e kadar bu görevde kaldı. Vergi Emaneti Meclisi reisliği, Dahiliye Nezareti müsteşarlığı yaptı. Süreyya Paşa tarih bilgisiyle tanındı. **Eseri:** *Hayât-i Osmaniyyeye Bir Nazar.*

Kay.: *TA* 30/146. ⚭G. OKUTAN

SÜREYYA Yusuf, bk. **YUSUF, Süreyya**

SÜRGİT, Mehmet (20.yy.): Şair. Giresun'da doğdu. **Eseri/Şiir:** *Alacakaranlık*.

Kay.: Seyfullah Çiçek, *Giresunlu Şairler,* İst.1997, s.93. ⚭N. ÜNVER

SÜRMELİBEY, Mahir (1953-): Şair. Kayseri'de doğdu. İstanbul Devlet Mimarlık ve Mühendislik Akademisi Makine Bölümünden mezun oldu(1977). Sümerbank'ta yirmi yıl mühendis olarak görev yaptı. Daha sonra özel alana geçerek bir tekstil firmasında fabrika müdürü olarak çalıştı. TYB ve İLESAM üyesi oldu. Yazılarını *Türk Edebiyatı*, *Kültür Sanat* ve *Hakimiyet Sanat* gibi dergilerde yayımladı. **Eseri/Şiir:** *Yangın Yeri Yüreğim* (1990).

Kay.: *TBEA* 2/754; *TYA* s.860. ⚭G. OKUTAN

SÜRÛRÎ (1491-1562): Divan şairi. Gelibolu'da doğdu. Asıl adı Mustafa Musliheddin Efendidir. Şârih-i Mesnevî sanıyla tanındı. Babası Şaban isminde Gelibolu'nun çok zengin tacirlerindendi. Oğlunun eğitimi için büyük paralar harcamaktan kaçınmadı. Öğrenimine Gelibolu'da başlayan Sururi, Bursa'da Kasım Paşa müderrisi Kara Davut Efendi'den, İstanbul'da müderris Nihali Cafer Çelebi'den, Kadri, Taşköprizâde Mustafa ve Abdulvasi efendilerden ders aldı. Fenarizâde Muhyiddin Efendiye intisap ederek onun derslerine devam etti. Muhyiddin Efendi İstanbul kadısı olduğunda 1521'de İstanbul kadılığı "bâb mahkemesi"ne kadı naibi ve bir yıl sonra hocası Anadolu kazaskeri olunca da onun tezkirecisi oldu. İşini bırakıp tasavvufa yöneldi ve Emir Buhari Zaviyesi şeyhi Mahmud efendiden inabe aldı. Daha sonra hacca gitti. Döndükten sonra Muhyiddin Efendinin eskisinden daha çok ilgisine mazhar oldu. Mülazım olarak yanına girdi. 1523'de Gelibolu'daki Sarıca Paşa Medresesine müderris tayin edildi. 1526'da Piri Paşa Zaviyesi medreseye çevrilince ilk müderrisi oldu. Aynı yerde selasin rütbesine yükseldi. 1537'de Güzelce Kasım Paşanın Kasımpaşa'da kendisi için yaptırdığı medreseye tayin edildi. 1548'de Şeyhülislâm Muhyiddin Efendinin ölümünden sonra çok etkilendi ve malını mülkünü satıp, Şeyh Abdüllatif Efendiye intisap ile tekrar dervişliğe yöneldi. Fakat, bu sırada Mora'da sancak beyi bulunan Kasım Paşanın isteği üzerine derviş kıyafetlerini muhafaza etmek şartıyla müderrisliğe de devam etti. Bu arada malını mülkünü satıp Kasımpaşa'da kendi adına Süruri Camiini yaptırdı. 1548'de Kanunî Sultan Süleyman'ın oğlu Şehzade Mustafa'nın hocalığına davet edildi. Âşık Çelebi gibi dostlarının tavsiyesiyle bu görevi kabul etti. Amasya'ya şehzâdenin yanına gitti. Bu hocalığı sırasında Şehzâde Mustafa'nın isteği ile birkaç kitap yazdı. 1553'te şehzâde öldürülünce inzivaya çekildi. Şehzâdenin yakını olan Sürûri'nin bu olay karşısındaki tepkisi padişah tarafından iyi karşılanmadığı için maddi sıkıntıya düştü. Hemşehrisi Gelibolulu Âii 1557-1558'de onun talebesi oldu. Ailesinin geçimini sadaka ve kurban gibi yardımlarla sağladı. Sürûrî 72 yaşında kısa bir hastalığı müteakip ihtiyaç içinde öldü ve yaptırmış olduğu camiin bahçesine gömüldü. Bu gün bu mescit yıkılmış, Sürûrî'nin mezarı ortadan kalkmıştır. Sürûrî'nin tefsir, hadis, fıkıh, mantık, gök bilim, tıp ve edebiyat gibi konularda 36 eseri vardır. Bunlardan bir kısmı Arapça olan medrese

27 MART 2009

TÜRK DÜNYASI ORTAK EDEBİYATI: *Türk Dünyası Edebiyatçıları Ansiklopedisi*, c.VII, ANKARA 2007